

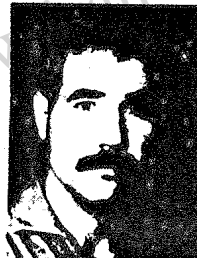


حماسه مبارزه، مقاومت و شهادت
رفیق بیژن جزنی و همرزمانش
همیشه الهام بخش مبارزان راه
رهائی طبقه کارگر و زحمتکشان
میهن ما خواهد بود — صفحه ۱۲

روز اول اردیبهشت
سال روز مقاومت
دانشجویان انقلابی
ورسوائی حکومت
جمهوری اسلامی



بدون شک، جنبش دموکراتیک و
انقلابی دانشجویان در تاریخ
مبارزات خلقهای میهنمان، مقام و
نقش ارزنده‌ای ایفا کرده است. از
دورانی که دانشجویان بعنوان یک
قشر اجتماعی شکل گرفتند، صفح
تاریخ مبارزات توده‌های میهنمان،
مملو از حماسه‌ها و فداکاریهای کس
نظیری است که توسط دانشجویان انقلابی
بقیه در صفحه ۲



آیت الله خمینی:
بعضی از اینها آن رفیق
خودشان را شکنجه میکنند
برای اینکه بگویند

در این شماره

- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- از میان نامه‌های کارگران
- خیانت‌های حزب توده

انجمن اسلامی کارخانه
ابزار فریب و توطئه
حزب جمهوری اسلامی

مبارزات طبقه کارگر را ز قیام تا
کنون در عرصه‌های گوناگون با افت
و خیرهای همچنان ادامه داشته است.
کارگران در جریان مبارزات خویش
با ارگانهای ضدکارگری نظیر
مدیریت، انجمن اسلامی، وزارت -
کار، دستگاههای سرکوب و... روبرو
رو قرار گرفته‌اند. آنها خود در تجارب
روزمره‌شان آموخته‌هایی بسیار کسب
میکنند. بقیه در صفحه ۵

مادادیم!!!
صفحه ۲۳

اول اردیبهشت
تداوم راه سرخ ۱۶ آذر
صفحه ۹

برای گسترش مبارزه ضد امپریالیستی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)
را به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق و ایجاد شوراهای انقلابی
تبدیل کنیم

بقیه از صفحه ۱

روز اول اردیبهشت

سالروز مقاومت

وترقی خواهد برای هر شی و بیشرفتیهای سیاسی و اجتماعی مردم کشور ما بمرصه ظهور رسیده است. در تاریخ کشور ما هر قدر که مبارزات توده ها علیه طبقات ارتجاعی و ضد انقلابی و حکومتها می آید آن تکامل یافته و به پیش تاخسته است، جنبش دانشجویی در این مبارزات نقش و اهمیت بیشتری کسب کرده است. زیرا در طول این دوران همواره تعداد بیشتری از فرزندان طبقات و اقشار مختلف و ستمدیده جامعه ما در دانشگاهها راه یافته و نیز ایده های انقلابی و ترقی خواهانه بطور مداوم گسترش و نفوذ بیشتری در پهنه دانشگاهها پیدا نموده اند. از اینرو مثلثانقشی را که دانشجویان در دهه اخیر، در مبارزات دموکراتیک - ضد امپریالیستی توده های میهنمان بر عهده گرفتند، بهیچوجه قابل مقایسه با دوره های قبلی نبوده است.

توده های ستمدیده خلق ما، هیچگاه فراموش نخواهند کرد که جنبش انقلابی دانشجویی در ده سال گذشته، چه نقش پر اهمیتی را در سیاسی کردن جوامع بسرمه، ارتقاء آگاهی و دعوت توده های مردم بمرصه مبارزه سیاسی و اقتصادی ایفاء کرده اند. روحیه انقلابی و مبارزه جویانه، شهادت و شجاعتی که دانشجویان در این دوره از خود نشان دادند، گامهای استوار آنگاه را در گامها هگرا نه، در سازماندهی و اعتلای جنبش خلق به جلو برداشتند، موجب آن شد که در اذهان، به حق دانشگاه به عنوان سنگر آزادی و دفاع از منافع خلق شناخته گردد.

پس از اوچگیری انقلاب و سرنگونی رژیم مافوق شاه، دانشجویان به همراه استادان نوکامین در مبارزات دانشگاهها بسرعت در صدد ایجاد شوراهای دانشگاهها، تغییر نظام آموزشی بوسیله همبستن شوراها، حفظ و دفاع از شرایط دموکراتیک برای فعالیت سیاسی، ایجاد کتابخانه ها و دفاع از حقوق دانشجویی غیره برآمدند. گسترش سرکوب توده ها بوسیله حکومت جمهوری اسلامی و دفاع از حکومت از منافع سرمایه داران، ملاکین و آشکار شدن ماهیت شوری انقلاب، حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها هر روز تعداد بیشتری از دانشجویان را در جهت افشای سیاستهای ضد مردمی

حاکمیت سوق میداد. بنا بر این سیاست گذشت زمان، رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی دانشجویان و نیز کسب تجربیات جدید، رژیم جمهوری اسلامی تدریجا پایگاه خود را در دانشگاهها بسرا سرکشور از دست داد. حزب جمهوری اسلامی در ابتدای کار که کوششهای فراوانی برای جلب دانشجویان بسوی خود بیکار برنده بود، نتوانست به عوام فریبیهای خود ادامه دهد. دانشجویان بخوبی دریافته اند که خصلت دموکراتیک و خصلت ضد امپریالیستی انقلاب خلقها را بران غیر قابل تفکیک بوده و تلاش حزب جمهوری اسلامی آنست که تحت عنوان "مبارزه ضد امپریالیستی" تمسک دستاوردهای دموکراتیک انقلاب را

نه تنها در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی بلکه در سراسر کشورنا بودا خسته و لگدما لگدما ما دانشجویان که در طول مبارزات خود همواره بیاتنگر روح دموکراتیک و انقلابی علیه نیروهای سرکوب و ضد انقلابی بوده اند بوسیله مقاومت و افشای سیاستهای حاکمیت پرداختند. پس از گذشت بیش از یکسال برای حزب جمهوری اسلامی این امر دیگری ثابت رسیده بود که نمی تواند بوسیله تبلیغ و دروغ اکثریت دانشجویان را فریفته و آنرا وادار به تاخیر سیاستهای خویش سازد. در نتیجه رهبران حزب جمهوری اسلامی که نسبت به جلوگیری از نفوذ سازمانهای انقلابی و توسعه تفکرات و ایده های انقلابی در میان دانشجویان و استادان ما یوس شده بودند نقشه سرکوب خونین دانشجویان و تعطیل دانشگاهها را تحت بهانه "انقلاب فرهنگی" و "تغییر نظام آموزشی" طرح خود را اول اردیبهشت سال ۵۹ در سراسر ایران با سرافراز آوردند. در این روز که نقطه عطفی در مقاومت و مبارزه دانشجویان انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی بشمار میرود با شکارترین وجه نشان داده شد که رژیم نه تنها در آرایهیچگونه پایگاه میانیان اکثریت توده های دانشجویی نیست بلکه در راه پیشبرد سیاستهای ضد دموکراتیک خود با مقاومت همه جانبه دانشجویان نیز مواجه خواهد بود.

اگر چه طراح و اجرا کننده اصلی سرکوب خونین و سراسر اید دانشجویان در روزهای اول اردیبهشت حزب جمهوری اسلامی بود اما لیبرالها نیز در این امر وحدت و همنوایی خود را بطور کامل بیه و وضوح نشان دادند. در جریان سرکوب لیبرالها و در راه سانس زنیس جمهور - بنی صدر وحدت خود را با سراسر حزب نه تنها بوسیله بیانیه ها که متوالیا توسط شورای انقلاب صادر میشد نشان دادند بلکه حضور بنی صدر در دانشگاه تهران و در راه سانس خود را نیز با شان چاقو بدست و قداره بند بیا نگرانین مطلب بود که بنی صدر علیرغم اختلافاتی که بر سر شیوه عمل با حزب داشت، اساسا موافق با سرکوب و بیخاک و خون کشیده شدن دانشجویان بود. مضمحلک و خنده آور است که در آرزوهای بنی صدر دانشجویان مبارزان متهم بوسیله تیراندازی بسوی یکدیگر نمود و اعلام داشتند که عده ای از دانشجویان بنی صدر نیست تیراندازی سپاه پاسداران -

بسوی آنان، بلکه در نتیجه تیراندازی خود دانشجویان بسوی یکدیگر بوده است! اما علیرغم اینکه تبلیغات مسخره، که رژیم برای پوشاندن اعمال ارتجاعی و ضد انقلابی خود انجام میداد، این سرکوب نفرت انگیز در همه جا با اعتراض مواجه شد. اقدامات رژیم در مورد دانشجویان همچنان ادامه یافت. در جریان این سرکوب جناحیتکارانه دهها تن از دانشجویان آگاه و مبارز شهید و هزاران تن در سراسر کشور مجروح و با زدا شست شدند. سپس دانشجویان با زدا شست شده و معترض در زندانها و از متوسط پاسداران بر کبار مسلسل بسته شدند. در جریان این هجوم فاشیستی و دامنشانه هشت تن از دانشجویان قهرمان، شهید و بسیاری از آنان زخمی شدند. تعداد دیگری از دانشجویان در استانها و مناطق مختلف بوسیله "دادگاههای انقلاب" به جرم دفاع از آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک به جوخه های اعدام سپرده شدند و صدها تن دیگر پس از تحمل شلاق و شکنجه به زندانهای مختلف محکوم شدند. سپس نوبت به خواجگاهای دانشجویان رسید. همه دانشجویان تحت بهانه های مختلف وحشیانه و بی زورانه و سرنیزه پاسداران و جماعتداران حزب جمهوری اسلامی از خواجگاهای بیرون رانده شدند. اما این اقدامات نیز بسبب استقامت دانشجویان انقلابی در همه جا با اتحاد مبارزاتی خود به اقدامات سرکوبگران رژیم پایان پیدا نکرد. آنها با مقاومت و افشای گریه های سیاسی، ماهیت رژیم را در برابر توده ها فاش ساختند. بدون تردید مبارزات دلاورانه دانشجویان، نقش بس مهمی را در ارتقاء سطح آگاهی توده ها و گسترش مبارزه توده ای در برداشته است.

دانشجویان انقلابی سراسر میهن روی سخن سازمان ما با شماست! اکنون قریب به یکسال از سرکوب خونین اول اردیبهشت ماه ۵۹ و مقاومت و قهرمانان ما میگذرد. در ایام مبارزات با وجود آنکه بنی صدر و شکست سیاستهای هیات حاکمه به عین آشکار شده است اما هنوز جناح حزب جمهوری اسلامی بعنوان نیروی تعیین کننده سیاستهای حکومت جمهوری اسلامی همچنان بر لزوم تحقق با صلاح "انقلاب فرهنگی" اصرار می ورزد. معنای واقعی "انقلاب فرهنگی" اساسا چیزی جز ایستادگی ساختن حقوق سیاسی و صنفی شما نیست. تحقق "انقلاب فرهنگی" در قاموس رهبران جمهوری اسلامی عبارت از آنست که تا حد ممکن دانشجویان و استادان انقلابی و متعهد به آرمان و منافع خلق از دانشگاهها اخراج شده و نظام دانشگاهی که ملاتذع سیاسی آنها و اهداف طبقاتی حزب جمهوری اسلامی گردد. عملیای این سیاست ضد انقلابی حاکمیت در مورد دانشگاهها بسیار رزخیزید. ضرورت تحقق اهداف مبارزاتی خود

بقیه در صفحه ۲۲

استقلال - مبارزات - آزادی



اعتصاب و کم کاری در مجتمع شمیانی

پارچین

کارگران مبارز پارچین (بیش از ۵۰۰ نفر) در اعتراض به اضافه شدن ساعت کار، و دادن پاداش به تعدادی از افسران ضدکارگر به اعتصاب و کم کاری دست زده اند. مبارزه کارگران همچنان ادامه دارد. روز دوشنبه ۱۷/۱/۶۰ پیرو بخشنامه ای از طرف دولت، یکساعت به کار افزوده می شود تعطیلی یک هفته در میان پنجشنبه ها نیز لغو می گردد و کارگران در برابر این حرکت ضدکارگری شدیداً به خشم آمده به اعتراض می پردازند. آنها تصمیم به مقاومت و مبارزه میگیرند. روز سه شنبه جلسه ای با حضور کارگران تشکیل می شود. سرهنگ اسکوتی مدیرعامل مجتمع به تعدادی نزدیک به ۲۵ نفر میلیتی پاداش جهت تشویق بجهت اضافه تولید می پردازد. اکثر این افراد از افسران ضدکارگر بوده و تعدادی در رژیم منفور شاه جزو اعضای ضد اطلاعات بوده اند و با این عمل کارگران را به افزایش تولید ترغیب می کند. بدین ترتیب می خواهد بهره کشی از کارگران را افزایش دهد. آتش نشان خشم کارگران منفجر می شود کارگران با فریاد به اعتراض می پردازند کارگری می گوید "پدر ما در می آید ما تولید می کنیم، حقوق تشویقی برای اینها می آید، نه که اینها کم حقوق میگیرند" بقیه کارگران اعتراضات می کنند کارگران متحداً به اضافه کردن ساعت کار اعتراض می کنند و خواستار رها نمودن کار و دور کردن تعطیل می گردند. تعدادی از کارگران بدور اسکوتی جمع شده و معترضان او را سؤال پیچ می کنند. او چون بی خبر خود می لرزید کارگری به افشای شورای فرمایشی پرداخته و در مورد ضرورت تشکیل شورای انقلابی بوسیله خودش صحبت می کند. در پی این جریان کارگران افزایش و چند شعبه دیگر به اعتصاب پرداخته و تعدادی از کارخانجات دیگر نیز از آنها حمایت کرده و به کم کاری دست می زنند کارگران تا تاریخ ۱۹ همچنان در حال مبارزه بسر می برند.

اکنون کارگران مبارز پارچین تنها با اتحاد دیوولادین خویش می توانند مبارزه را پیش برده و ۴۰ ساعت کار و دور کردن تعطیل و دیگر خواست هایشان را بدست آورند. کارگران پیشرو باید هر چه بیشتر ایده اتحاد و تشکیلات را بسمان بوده کارگران برند. مبارزه را سراسری و یکپارچه کرده و با تبلیغ وسیع حول شکل کارگران در شورای جهت تشکیل آن گام بردارند. مبارزه متحد کارگران در شورای انقلابی ضامن پیروزی کارگران است. بقیه در صفحه ۴



جنبش کارگری

واقعی خود را انتخاب کنند و شورای کارخانه را تشکیل دهند. سیوه های جدیدی متوسل شده است آنها از یکطرف با کمک انجمن های اسلامی در درون کارخانجات و از سوی دیگر با فرستادن سپاه پاسداران و نماینده وزارت کار می خواهند برای کارگران شورا تشکیل دهند آنها در واقع می خواهند رگانهائی را پدید آورند که بتوانند با همکاری مدیرینت و سپاه پاسداران و انجمن اسلامی مبارزات کارگران را درهم شکنند. کارگران در این مبارزه تسلیم نمی شوند کارگران در می یابند که با یک قاطعانه جهت آزادی و تشکیل شورا های انقلابی، تشکیل جلسات کارگری (مجمع عمومی) و بر علیه جو خفقان و سرکوب مبارزه کنند کارگران در می یابند که شورا از دل مبارزات آن ها بیرون آمده و نمایندگان کارگران با یاد آوری آن توسط کارگران انتخاب شوند و شورا های کارخانه برای انجام امور عمومی کارخانه با یاد آوری باشند در رژیم جمهوری اسلامی در این مبارزه با توسل به تعقیب، دستگیری، اخراج قادر به متوقف ساختن مبارزات کارگران نخواهد بود. مبارزات کارگران پارس مثال، پارس الکتریک ایران یا سا، مقاومت و پشتیبانی بی دریغ کارگران از نمایندگان منتخب خود، مویدا این نظر است. اخبار زیر نمونه ای از موج مبارزات کارگران در کارخانجات کشور می باشد.

سال نو و موج مبارزات کارگری

در آغاز سال نو مبارزات کارگران همچنان ادامه دارد. هر چند این مبارزات هنوز گستردگی و ابعاد سراسری مبارزات اسفند ماه را پیدا نکرده است. اما مبارزات کارگری آن در چند روز گذشته نشان می دهد که طبقه کارگر به پیکار بی پایان خود همچنان ادامه می دهد. مبارزات کارگران از یک سو برای گرفتن خواست های بحق خود از جمله سودویزه، پاداش تولید، ساعت کار، جریان دارد. اعتصاب کارگران ایران ناسیونال، اعتصاب در شرکت هوفمن (کفش ملی) اعتصاب در شرکت ایران کاوه، اعتصاب در کارخانه مهمات سازی، اعتصاب و کم کاری در کارخانه پارچین نمونه های چندی از این مبارزات در چند روز گذشته است.

کارگران در طول مبارزات چند ماه گذشته و مبارزات کنونی هر چه بیشتر به ضرورت اتحاد و تشکیلات واقعی خود پی برده اند. در همین رابطه کارگران در عمل به ما هیت نمایندگان سازشکار شورایی می برند آنها در می یابند که جز با اتحاد تمام کارگران و تشکیلات واقعی یعنی شورا نمی توانستند به خواسته های خود برسند. به همین دلیل در بخشی از کارخانجات کارگران برای تجدید انتخابات شوراها مبارزه می کنند کارگران دریافته اند که در جهت تشکیل شورا های انقلابی باید متحداً دست مبارزه بزنند تا قدرت متفرق خویش را متمرکز نمایند از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی که در چند ماه گذشته در مقابل موج قدرتمند مبارزات کارگران، ناتوانی خود را بعبینه نشان داده است. بسر شدت سرکوب مبارزات کارگران افزوده است. رژیم جمهوری اسلامی مقابل خواست بحق کارگران که می خواهند آزادانه نمایندگان

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و ...)

هیئت تحقیق کارگری برپا داریم

جنبش کارگری

اعتصاب در شرکت هوفمن

شرکت هوفمن، یکی از واحدهای گروه صنعتی کفش ملی است کارگران این شرکت که دو ماه قبل اعتصاب ده روزه‌ای برای دریافت پاداش تولید داشتند در پی قول مدیرعامل دایربر پرداخت پاداش تولید به سرکاریان می‌گردند اما پس از دو ماه هنوز از پاداش تولید خبری نیست. روزیکشنبه ۱۶/۱ مجدداً کارگران دست به اعتصاب می‌زنند تمام کارگران کارخانه، یکپارچه در این اعتصاب شرکت داشتند کارگران کفش ملی نشان داده اند که حتی سرکوب وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی هم قادر نیست مبارزات آنان را متوقف کند آنها دریافت‌اند که تنها با مبارزات پیگیر و یکپارچه خود قادر خواهند بود حقوق خود را از دولت سرما به‌داران بگیرند. مبارزه کارگران همچنان ادامه دارد.

اعتصاب و اعتراض در مهمات سازی

در پی بخشنامه‌ای که از سوی مدیریت کارخانه دایربر اضا فاش شدن یک ساعت کار، ما در می‌شود کارگران دست به اعتراض می‌زنند آنها روزانه متحداً حدود سه ربع زودتر از تمام ساعت کار جلوی در ورودی جمع می‌شوند و با فشار بیش از حد خود در برابر شکسته‌ها و از کارخانه خارج می‌شوند. مبارزه کارگران همچنان ادامه می‌یابد روز پنجشنبه ۱۰/۲۰ کارگران کارخانه ۵۱۰ و ۵۱۱ گروه ۲ برای اعتراض به اضا فاش شدن ساعات کار و عدم تعطیل پنجشنبه مدت ۱/۵ ساعت دست از کار کشیدند سرهنگ یزدانی تلفنی با نما بنده آنها صحبت می‌کند و کارگران را تهدید می‌کند در صورتیکه به کار ادامه ندهند حقوق آنها کسر خواهد شد و بعد تحویل دادگاه انقلاب داده می‌شوند اما کارگران مصمم اند که متحد و یکپارچه مبارزه را تا پیروزی ادامه دهند.

پارس متال

در پی مبارزات کارگران پارس -

متال برای دریافت ۲۰روز سودویزه کم کاری در کارخانه آغاز می‌شود مدیر کارخانه طی اطلاعیه‌ای از کارگران می‌خواهد که برای بالابردن تولید بکوشند و زودتر از ساعت مقرر کار را تعطیل نکنند. کارگران به این اطلاعیه توجهی نمی‌کنند و مدیر کارخانه که تیرش به سنگ خورده بود و کارگران دیگر فریب شرایط جنگی و احتیاج مملکت و غیره را نمی‌خورند، در اطلاعیه دیگری به تهدید کارگران متوسل می‌شود تا شاید بدین وسیله کارگران را وادار به عقب نشینی کند عکس العمل کارگران در مقابل این اطلاعیه تهدیدآمیز یک چیز بود: آنها که قبلاً یک ربع زودتر کار را تعطیل می‌کردند پس از صدور اطلاعیه ۲۵ دقیقه زودتر دست از کار کشیدند

* * *

کارگران پارس متال که در جریان مبارزه به ما هیت عده‌ای از نمایندگان شورایی برده بودند به مبارزه گسترده‌ای جهت اخراج سه تن از این نمایندگان از شوراست زده. تحت فشار کارگران این سه تن وادار به استعفا می‌شوند. در پی این حرکت کارگران برای تکمیل شورا تلاش می‌کنند. کارگران سعی می‌کنند که نمایندگان خود را از بین افرادی انتخاب کنند که در جهت منافع آنان عمل کنند. در پی این مبارزات کارگران، مدیران ضدکارگر در دفتر مرکزی متحمن شده و خواهان اخراج ۳ نفر از اعضای باقی مانده شورا و گرفتن تعهد اخراج کارگران پیشرو و انقلابی می‌شوند وزارت کار حاکمی سرما به‌داران اعلام می‌کند، که هر شورائی که بدون نظارت و دخالت ما تشکیل گردد فاقد اعتبار است. اما کارگران دریافت‌اند که شورائی که وزارت کار تشکیل دهد تنها بفرج سرما به‌داران کام بر می‌دارد آنها پی برده‌اند که شورا از دل مبارزات کارگران بیرون آمده و باید مبارزات کارگران را هدایت کند و اعضای چنین شورائی تنها باید از دانسته توسط کارگران انتخاب شوند مبارزه کارگران برای تشکیل شورای انقلابی ادامه دارد.

پارس الکتریک

روز چهارشنبه ۱۹ فروردین، بوشهری به اتفاق دو نماینده وزارت کار جهت رسیدگی به کارشورای کارخانه به کرج می‌روند آنها ابتدا سعی می‌کنند کارگران را متقاعد سازند که می‌بایستی یک هیئت ۵ نفره مرکب از ۲ نماینده مدیریت، ۲ نماینده شورا و یک نماینده وزارت کار برای نظارت بر عملکرد شورا بوجود بیاید و روند آنها با تشکیل چنین

هیئتی که حداقل سه نفرشان جزو عوام سرمایه داران هستند می‌خواهند سدی در مقابل مبارزات کارگران ایجاد کنند در صورتیکه شورای کنونی کارخانه راهم اعضای سازشکار تشکیل می‌دهند. کارگران و هیئت نظارت انتخابات شورا در مقابل آنها قرار می‌گیرند مجمع عمومی تشکیل می‌شود یکی از اعضای هیئت نظارت برای کارگران سخنرانسی می‌کند و ما هیت این حرکت وزارت کار را برای کارگران توضیح می‌دهد و ما هیت این حرکت وزارت کار را برای کارگران توضیح می‌دهد و ضمن صحبت‌ها پیش توضیح می‌دهد که نمایندگان وزارت کار بدعوت اعضا انجمن اسلامی که عضو شورای کارخانه هستند به کارخانه آمده‌اند کارگران دست به اعتراض گسترده می‌زنند نمایندگان وزارت کار سعی می‌کنند با سرراه انداختن رای گیری در صوف کارگران تفرقه ایجاد کنند اما کام می‌شوند. کارگران موفق می‌شوند که نمایندگان وزارت کار را مجبور به ترک کارخانه نمایند در ضمن کارگران تصمیم می‌گیرند که یک مجمع عمومی مشترک بین کارگران کارخانه تهران و کرج برگزار کنند و تصمیم نهائی را اتخاذ نمایند.

حیت تهران (بافکار)

در کارخانه بافکار قبل از عید کارگران مبارزات پراکنده‌ای برای دریافت ۲۰روز سودویزه علاوه بر دو ماه داشته‌اند. عده‌ای از کارگران هم با مراجعه به شورا و مدیریت ضای ۲۰روز سود را مطرح کرده‌اند. قبل از تصویب قانون ۲۰روز توسط مجلس هر با رکه به مدیر مراجعه می‌بند بر ا حتی خود را بیگناه نشان داده و میگفت این قانون تصویب نشده و از آنجا که دولت بستن هر نوع قرارداد بین کارگر و کارفرما را منوط به اطلاع دولت کرده، من نمیتوانم ۲۰روز سود را بپردازم. مدیر با فکار بخوبی پیوند سرما به‌داران و دولت آنان را نشان میداد. او با استفاده از این بهانه از پرداخت ۲۰روز سود به کارگران سرباز می‌زند. پس از تصویب قانون پرداخت این مقدار سودویزه به کارگران، مدیر مسئله را به بعد از تعطیلات موکول کرده روز دوشنبه ۱۰ فروردین عده‌ای از کارگران با مراجعه به دفتر مدیریت خواستار دریافت سود شدند. مدیر عامل که هوا را پس میدید شروع به ناله و زاری کرده و اعلام کرد که سود کم بوده و نمیتواند حق کارگران را بپردازد. اعتراض کارگران بافکار برای دریافت ۲۰روز سودویزه که بخشی از دستمزدشان است، ادامه دارد.

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه‌ها برچیده شود



انجمن اسلامی کارخانه

ابزار فریب و توطئه حزب جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱

لیکن شناخت ماهیت این ارگانها برای طبقه کارگر، و در نتیجه اتخاذ موضع صحیح و پرولتاریائی ضروری میباشد. از آنجا که انجمن اسلامی بعنوان ارگانی که پس از قیام پدید آمده و در نتیجه نسبتا ناشناخته است، بررسی عملکردها و تحلیل آن بیش از پیش لازم است. ماسعی میکنیم بطور مختصر عملکرد و وضعیت این ارگان را از ابتدا تا کنون مورد بررسی قرار دهیم. پس از قیام مدونجا جو رزوا نوسی حاکمیت، لیبیرالها و حزب جمهوری اسلامی هر یک میکوشند سیاستهای خود را در سطح جامعه به پیش ببرند. کارخانجات نیز از این مرستثنی نیست.

از سوئی لیبیرالها در بیشترین ارتباط با مدیریت این ارگان تنظیم تولید قرار میگيرند. از سوی دیگر انجمنهای اسلامی با بهره گیری از فقدان سازمان یابی های واقعی طبقاتی کارگران در دوران دیکتاتوری و به تبع آن نبود تجربه تشکیلاتی، توهما ت مذهبی کارگران پس از قیام با رهنمودهای حزب جمهوری اسلامی ایجاد میگرددند. پائین بودن سطح آگاهی طبقاتی پرولتاریا، ذهنیت شدید مذهبی حاکم بر توده کارگران در مقطع قیام، سبب میگردد که انجمنها طیف وسیعی از کارگران را در برگیرند. بدین ترتیب این ارگانها در ابتدا از هیچگونه انسجامی برخوردار نبوده و حتی سیاستهای گوناگونی در آن اجرا میشود. لیکن بتدریج حزب جمهوری اسلامی با در اختیار گرفتن نزدیک به تمام انجمنها، آنها را به کانونی برای پیشبرد سیاستهای خود بدل میکنند. اکنون اگرچه هنوز انجمنها از انجم کامل برخوردار نبوده و به شکل یک سیستم در نیا مده اند، اما با تغذیه از حزب جمهوری اسلامی به زائده آن تبدیل شده اند. اکنون قریب به اتفاق انجمنهای اسلامی پیشبرد سیاستهای حزب را هر آنجا که حضور داشته، بعهده دارند. بطور کلی عملکرد انجمنهای اسلامی تا کنون در دو زمینه یعنی فعالیتهای فرهنگی و مشارکت در مدیریت تا حد در دست گرفتن کامل آن یا بعبارت دیگر در وظیفه عمده

دشمنی ورزیده و در برابر این شوراها با مدیریت یکدل و یک صدا بوده اند. این دو جنبه در واقع اساس حرکت انجمنهای اسلامی را در پیرو سه حرکتشان نشان میدهد. لیکن آنها همواره برای پیشبرد سیاستهایشان با شورا های انقلابی و کارگران آگاه و پیشرو در روبرو شده اند. انجمنها از یکسو سیاست نفوذ در شورا های انقلابی و یا انحلال آنها و ایجاد شورا های زرد و وابسته به خویش سعی داشتند که مبارزات کارگران را سرکوب نمایند. و از سوی دیگر از وجود شورا های زرد و عامل خود بر علیه مدیران لیبیرال استفاده کنند. همچنین آنها کوشیده اند با اخراج دستگیر کارگران پیشرو و آگاه و برقراری جو اختناق و سرکوب در کارخانه ها به بهترین وجهی مجموعه سیاستهای ضد کارگری - ضد انقلابی خود را پیش ببرند. و این امریست که با گذشت زمان هر چه بیشتر در حرکات انجمن - اسلامی به چشم خورده و اخیرا بسیار برجسته میباشد.

اما با بررسی دقیق تر وضعیت انجمنهای اسلامی که خود از شدت بحران در جامعه، تضادهای درون حاکمیت، سطح و شکل مبارزات کارگری و توده ای و ... ناشی میگردد، میتوان عملکردها را به چهار دوره نسبتا متفا وت تقسیم کرد: ۱- قیام تا جریان سفارت، ۲- سفارت تا نطق آیت الله خمینی در تیرماه ۵۹، ۳- نطق تا جنگ و با لآخره از جنگ تا کنون، ۴- مختصرا وضعیت انجمنها را در هر یک از این دوره ها بررسی می نمایم:

۱- از قیام تا جریان سفارت

همچنانکه گفتیم پس از قیام با شکل گیری انجمنهای اسلامی روبرو هستیم. این ارگانها ابتدا در روزرات خانه ها، ارتش و کارخانجات بزرگ و با بعبارتی در نقاط استراتژیک ایجاد میشوند. در این دوره و بخصوص در ابتدای آن انجمن ها از یابسته توده ای نسبتا "وسیعی برخوردار هستند

بقیه در صفحه ۶

فریب، توطئه، سرکوب و ایجاد جو اختناق خلاصه میشود در زمینه فرهنگی آنها در واقع بشکل نوعی از ارگانهای فرهنگی بورژوازی بشمار میروند. فعالیتهای آنها تا سپس کتابخانه، تهیه و پخش نشریات مربوط به خود، ... و با لآخره مهمترین آن یعنی برگزاری جلسات سخنرانی و دعوت از مبلغین مذهبی را شامل میشود. مضمون این حرکت اشاعه نظرات حزب جمهوری و جلب کارگران بدان، دادن زنده توهم کارگران و از این زاویه جلوگیری از تعرض به نظم موجود و کمک به بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته است. در تمام سخنرانی ها که در این مدت بوسیله انجمنها برگزار شده ضمن بهره برداری از احساسات مذهبی کارگران، بیشترین سمپاشی بر علیه نیروهای انقلابی صورت گرفته و اطاعت از حاکمیت، امیدواری و چشم داشتن به حاکمیت برای بهبود وضع، تولید بیشتر و توقع کمتر و وسیعا "تبلیغ شده است. بدین ترتیب انجمنها خدا کشتارشان را برای بازداشتن کارگران از مبارزه انقلابی انجام داده اند. در زمینه دیگر عملکردها انجمنهای اسلامی، میتوان از دخالت در مدیریت را نام برد. انجمنها در تمام طول حرکتشان خواهان مشارکت در مدیریت تا حد قبضه کردن امور بوده اند. اما سطح خواست آنها را در دخالت در مدیریت عمدتا تضادهای دو جناح بورژوازی حاکم و جایگاه حزب جمهوری اسلامی در حاکمیت مشخص میکند. "اسلامی کردن مدیریت" و جایگزینی مدیران "مکتبی" جای مدیران "لیبرال" از ابتدا مورد توجه انجمن بوده و پس از پیرو سه ای بیشتر مطرح میگردد. این حرکت انجمنها به تبعیت از حزب جمهوری، نه هدف تغییر سیستم مدیریت و رابطه آن با کارگران، بلکه حفظ سیستم و فقط در اختیار داشتن آنرا در نظر داشته است. بعبارتی انجمنها همواره بر حفظ نظم سرمایه داری اتولید و جلوگیری از تعرض کارگران بدان تاکید داشته اند. و بدین ترتیب آنها همواره در مقابل شورا های انقلابی کارخانجات که از موضعی انقلابی بدخالت در نظم تولیدی پرداخته اند،

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

شبه از صفحه ۵

در درون انجمنها جداگانه ها همکوسی وجود داشته و کارگران با هر سطح از آگاهی (غیرسوسیالدمکراتیک) در آن حضور دارند. اما در اغلب موارد کسانی در رأس انجمنها قرار میگیرند که یا هیچگونه سابقه مبارزاتی نداشته و یا جزو خدمتکاران پرزیم پیش بوده اند. بدلیل همین طیف نامهمکون است که در کنایه سیاست حزب جمهوری که در نهایت بر انجمنها غلبه دارد، کرایشات و جریانهایی - مترقی و انقلابی نیز وجود داشته و حتی هدایت پاره ای انجمنها را در دست دارند.

در جریان موج مبارزات طبقه کارگر تا مقطع سفارت غالب انجمنها در برابر مبارزات، موضعی منفعل دارند، آنها بدلیل بالابودن سطح مبارزاتی ناشی از شور و شعور حاصل از قیام و جونسنتا دمکراتیک حاکم بر جامعه و نیز ترکیب خویش قادر به رویارویی با اعتراضات کارگران نیستند. مبارزات کارگران عمدتاً از طریق شوراها هدایت میگردد، چرا که انجمنها با وجود پایه توده ای خویش، تشکلهای مذهبی شمارفته که مبنای منافع و مبارزات عینی و مادی -

کارگران شکل نگرفته اند. البته در همین دوره تعدادی از انجمنها که رهبری آنها را نیروهای چگون مجاهدین خلق در دست دارند، در حرکات کارگری سهم داشته اند.

در این دوره جلسات سخنرانی سوسیله - اینها را که به منظور مدام و در بسیاری از کارخانجات هر هفته یکبار تشکیل میشود و کارگران به شکلی نسبتاً وسیع در این جلسات شرکت میکنند. مینمایند. از طرف دیگر انجمنها در رابطه با انتخابات و رفتارند و مفا فعلاً میباشند. آنها خداکوشتر تلاشان را برای تشویق کارگران به رای دادن (رای مورد نظر حاکمیت) بکار میگیرند. در این مورد با تشدید و آشکار شدن تضادهای حاکمیت، سمت و سوی تبلیغات انجمن با سیاست حزب منطبق میگردد. نقش دیگر انجمنها بسیج کارگران برای شرکت در تظاهرات و حمایت از حاکمیت میباشد. و با لایحه در سرکوب و وحشیانه خلق کرد، توده های ناآکنگاه کارگران را برای شرکت در این سرکوب ترغیب و بسیج میکنند.

انجمنهای اسلامی در این دوره ضمن تاکید بر تصفیه تعدادی از مدیران "طاغوتی" در کنار کنترل مدیریت، توله بیشتر و بازسازی سیستم را در نظر دارند. انجمنها فقط خواهان همکاری با مدیریت هستند، لیکن مدیران به انکای فسادت لیبرالها در حاکمیت چندان نقشی بدانها نمیدهند. سیاست انجمنها همچنین نفوذ در شوراها را نشان میدهد، ضمن آنکه گاهی زمزمه های

انجمن اسلامی کارخانه ابزار فریب و توطئه حزب جمهوری اسلامی

در مخالفت با شوراها بوسیله انجمن - های اسلامی مورت میپذیرد.

از واسط و بخصوص او اواخر این دوره گسترش و تعمیق مبارزه طبقاتی، ارتقاء آگاهی کارگران در تجمعات روزمره شان و افشاکری نیروهای انقلابی نه جدا شدن کارگران با گاه از انجمنها منجر گردیده و سیاست ضد انقلابی حزب جمهوری را در آنها بیشتر جامی اندازد.

۲- از جریان سفارت تانطق

آیت الله خمینی در تیرماه ۵۹

جریان سفارت و تحولات ناشی از آن که در پیروسیه ای قدرت گیری حزب جمهوری اسلامی راهمراه دارد، در عملکرد و وضعیت انجمنهای اسلامی در کارخانجات نیز تغییراتی پذیرد میاورد.

در ابتدای این دوره و هاهای هوی مبارزه با اصطلاح ضدا مپریالیستی از سوی حاکمیت، توده ها بدستال آن روان گشته و آنرا با مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک خویش یکی میکنند. انجمنهای اسلامی در این مقطع بسیار فعال شده و تحت ره نمودهای حزب جمهوری میکوشند بطور دایم و وسیعی کارگران را به خیا با آنها و تظاهرات سازمان یافته بوسیله حزب جلب نمایند. آنها با توجه به زمینه عینی دشمنی کارگران با امپریالیسم قضا داشته اند آنها را از مبارزه و عمل انقلابی باز دارند.

اما با اوجگیری مبارزات سیاسی کارگران هر کجا که آنها در آمده پیشبرد مبارزه ضدا مپریالیستی واقعی بر آمدند، خواستند که با خلق بیدار سرمایه داران و امپریالیستها خود کنترل واحد را درست گیرند، شوراها و انقلابی تقویت گشت، انجمنهای اسلامی در کنار مدیریت به مقابله با توده کارگران پرداختند. جلسات سخنرانی همچنان ادامه مییابد. از آنجا که فعالیت گسترده نیروهای انقلابی و کمونیستها و پیرویه "فدائیان خلق" ارتقاء پیوسته شان را با کارگران همراه داشته، در این

جلسات سبیل تبلیغات دورغیب و - بشورمانه بر علیه آنان نیش از گذشته سرازیر میشود. انجمنهای اسلامی در کارخانجات دیگر حتی پارا از محدوده مپاشی فراتر گذاشته و در مواردی اقدام به شناسایی و توطئه بر علیه کارگران آگاه و پیشرو می نمایند.

در این دوره تضاد انجمن اسلامی با مدیریت آشکار میشود. دخالت در مدیریت را که ملا در دستور قرار میدهند. انجمنها به انکای جا بگاه حزب در حاکمیت و نیز پشت سر داشتن کارگران دخالت در تصمیم گیریها و امور کارخانها را کم و بیش جلو میبرند. ضمن آنکه در مقابل مبارزات کارگران که ملا در کنار مدیریت قرار میگیرند.

در این مقطع حاکمیت که تلاشش برای نابودی شوراها به نتیجه نرسیده، کوشید با طرح "شوراها ی اسلامی" آنها را از محتوای انقلابی تهی سازد. پیرو این سیاست، انجمنها آنچه که در توان داشتند برای مقابله با شوراها ی انقلابی بکار گرفتند. سیاستی که بعدها ایضا دگسترده تری مییابد.

بتدریج تجربه توده کارگران و دیدن نتایج مبارزه با اصطلاح ضدا مپریالیستی حاکمیت در عینیت، تا امید شدن آنان و... گسترش مبارزات مستقل کارگران را به همراه می آورد. از واسط این دوره به گسترش مبارزات اقتصادی کارگران انجمنها رویدوری کارگران قرار گرفته و بین سیاست آنها منافع توده ها عمیقاً آشکار میگردد. آنها برای مقابله با مبارزات کارگران پیش از پیش به سرکوب متوسل میشوند و در نتیجه حمایت توده ای خویش را به نسبت زیاده ای در دست میدهند. در جلسات انجمن از انبوه کارگران آثری نیست و تعداد آنها نیز کاهش مییابد. در همین پروسه در درون انجمنها نیز جریانهای غیر از خط حزب بیشتر منزوی و حتی تصفیه میگرددند. نطق بنی صدر در ۱۷ شهریور خود عا مل دیگری می شود تا درون کارخانجات انجمن های اسلامی پا بگاه خود را بیشتر از دست دهند.

۳- نطق آیت الله خمینی تا جنگ

در تیرماه ۵۹ شاهد گسترش مبارزات کارگران و تشدید بحران و تضادهای حاکمیت هستیم. حزب جمهوری اسلامی جا بگاه بر تورا در حاکمیت کسب نموده است. در این مقطع پس از نطق خمینی و حمله به وزارتخانه ها و ادارات و "طاغوتی" نامیدن آنها با دور جدیدی از فعالیت انجمنهای اسلامی مواجه هستیم. اشاره خمینی به بی عملی انجمنهای اسلامی در واقع تأیید و بقیه در صفحه ۷

دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است



بقیه از صفحه ۶

دادن میدان وسیع عمل به آنها بود. از این پس انجمنها با ردیگر به مراتب مسترده تروفعلتروارد میدان شده، تا جاشیکه در باره ای واحدها انجمن اسلامی بوجود می آید.

در این زمان حضور کمیته های پاسکازی که تحت نفوذ حزب قرار داشتند، در کار خاتجانات قدرت انجمنها را افزوده و تقریباً به چماق انجمن بدل میشوند.

انجمنهای اسلامی در این دوره کاملاً رودرروی کارگران، مبارزات و شکلگیری واقعی آنها قرار میگیرند. آنها همواره میکوشند سدراه مبارزه - توده های کارگر گردند. اما از آنجا که اغلب نمیتوانند با فریب این سیاست خویش را پیش ببرند به سرکوب متوسل شده و در این راه از پاسداران نیز بهره میگیرند. یورش به دستاوردهای دمکراتیک توده ها و برقراری حکومتی اختناق و تفتیش عقاید هدف انجمنها قرار میگیرد. دشمنی انجمنها با کارگران آگاه و پیشرویش از هر زمان دیگری آشکار میشود. مسووع اخراج کارگران مبارزه توصیه انجمن و بوسه کمیته پاسکازی آغاز میشود. آنها برای شناسایی کارگران پیشرو حتی از وجود عناضر سرسپرده رژیم پیشین نیز بیاری میگیرند. مجموع این حرکات آنچنان خشم و نفرت تسوده کارگران را برمی انگیزد که آنرا با ساواک مقابله کرده و فاصله شان را با این ارگان عمیقتر میسازند.

پیشبرد سیاستهای ضد دمکراتیک و بغایت ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی در مواردی نظیر "حجاب" و اعمال جبر و فشار بر کارگران نیز از جریبتر نسبت به انجمن اسلامی را همراه دارد.

درگیری انجمن با مدیریت همچنان ادامه یافته و انجمنها بیش از پیش دخالت در مدیریت و حتی کنسار گذاردن معدودی از مدیران را نشانده میروند. بدین ترتیب در مواردی - تعدادی مدیران لیبرال نیز تصفیه میگردند. اما اغلب پاسکاز بسیار گشته و یا بجای دیگری منتقل میشوند.

سیاست ضد شورائی انجمن اسلامی به کامترین شکل آشکار میشود. انجمن تنها شورائی را تأیید میکند که تحت نفوذش قرار داشته و مجری سیاستهای ضد کارگری باشد. هر شورایی که کما بیش در جهت منافع و خواسته های کارگران حرکت کند، "غیر اسلامی" خوانده میشود. هر نماینده ای که از منافع کارگران دفاع کند، "غیر مکتبی" نامیده میشود. انحلال و شوراها واقعی و انقلابی، اعمال نظرو تقلب در انتخابات شورائی - جلوگیری از کاندید شدن کارگران آگاه بوسیله تحمیل ضوابط غیر کارگری و با شیوه های دیگر، سیاست انجمن را در این زمینه تشکیل میدهد.

مجموعه حرکات انجمن در این

انجمن اسلامی کارخانه اظهار فریب و توطئه حزب جمهوری اسلامی

دوره بطور وسیعی توده کارگران را در مقابل آن قرار داده و بدین ترتیب پایه توده ای این ارگان بشدت از دست می رود. از اینجاست که انجمن های اسلامی همرا با یبگانه شدن از نظر توده ها نیز از رسمی شدن و قانونیت بورژواژها محروم گردیده اند. از همین رو در اولین گرد همائی انجمن های اسلامی در ۲۳ شهریور ۵۹ طرح میشود که: "انجمنهای اسلامی به رسمیت شناخته شوند و امکان کافی برای آنها تا مین شده و بیین آنها هماهنگی لازم بوجود آید". و در قسمتی از قطعنامه صادره میاید که: "ضمن حمایت از کلیه نهادهای انقلابی از قبیل سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، بسیج ملی، دادگاههای انقلاب و کمیته ها، تقاضا میکند که با انجمنهای اسلامی سراسر ایران همکاری نمایند." (انقلاب اسلامی ۲۴ شهریور) آری، بورژواژی همواره با توسل به قوانینش میخواهد خود را ابدی و مومن از تعرض توده های استعمار شونده نماید.

۴- پس از جنگ

جنگ در ابتدا موجی وسیع از نا سبونا لیسیم در جامعه پدید آورده و به ناگهان تمام مسائل را تحت الشعاع قرار میدهد. ذهنیت کارگران را تماماً به خود مشغول داشته و اوقات مبارزاتشان را بهمراه میسازد. همزمان با شروع جنگ سیاست حزب جمهوری برای مقابله با لیبرالها که ارتش را در اختیار دارند، بر بسیج و مسلح نمودن افرادی که حاضر باشند در زیر پرچمش بچنگند، قرار میگیرد. بدین ترتیب انجمنهای اسلامی در کار خاتجانات به تبع سیاست حزب و بر بستر تمایل کارگران به مسلح شدن، بسیج و تسلیح کارگران عضو انجمن توده های آگاه کارگران را برای حفاظت از کارخانها و رفتن به جبهه نشانه می رود. و از این زاویه انجمنها تا حدی در بین کارگران اعتبار میابند.

اما با طی پیروسی کوتاه و بسیج آشکار شدن نتایج اجتناب ناپذیر جنگ ارتجاعی چون گرانی، کمپانی،

بیکاری، و... جنگ از دیدگاه طبقه کارگر به زیر سؤال می رود. شور میهن پرستی کا ذب فروکش میکنند. و با دور جدیدی از اعتلای مبارزات کارگران روبه رو میگردیم. مسئله تسلیح و رفتن به جبهه مورد مخالفت کارگران قرار گرفته و از این کاتسال انجمنها زیر ضرب قرار میگیرند. با فراموش شدن مسئله جنگ و اوج گیری مجدد مبارزات کارگران از دیدگاه به این طرف انجمنها کاملاً رودرروی کارگران قرار گرفته اند. فعالیت آنها در تشویق به افزایش تولید، برگزاری سخنرانیها، مبارزه و مقابله با شوراها و مترقی و انقلابی، اخراج کارگران آگاه و پیشرو و تلاش برای ایجاد جو خفقان در کارخانجات بوده است. بعلاوه انجمنها ضمن سرکوب توده کارگران به کمک پاسداران حتی سازمان دهی تعداد معدودی از کارگران آگاه و عقب مانده را برای سرکوب نظرات و میتینگ ها بعدده داشته اند. این حرکات مشخصاً مقابله کارگران را با انجمنها همراه داشته و آنرا کاملاً رسوا و اعتبار سازه است. اکنون بحرات میتوان گفت که انجمنها در میان کارگران ناپاکانه و تنها به اتکای قدرت حزب در کارخانجات حضور دارند. اعمالی نظیر توزیع سیگار، برنج و دیگر کالاها نیز نتوانسته در جذب کارگران بسوی آنها موثر باشد.

تشدید تضاد بین لیبرالها و حزب جمهوری و افزایش بیسابقه آن، درگیری حاد مدیریت و انجمنهای اسلامی را در کارخانجات همراه داشته است. انجمنهای اسلامی با تکیه به جایگاه و قدرت حزب در کمیت یورش تازه ای را برای شرکت در مدیریت آغاز کردند. آنها حتی در موارد محدود موفق شدند مدیران لیبرال را یکسوی کنار گذاشته و مدیریت را در اختیار خود گیرند.

تلاش انجمنها برای رسمی شدن همچنان ادامه دارد و در دو مین سمینار انجمنهای اسلامی در آذر ۵۹ ضمن تاکید بر تصفیه مدیران غیر مکتبی با صدور قطعنامه ای طرح میکنند که: "ما خواهان رسمیت شناخته شدن انجمن های اسلامی از سوی دولت جمهوری اسلامی میباشیم".

زوال پایه توده ای حزب جمهوری اسلامی در این پروسه تغییرات و تحولاتی را در درون انجمنها نیز به همراه داشته است. بدین ترتیب که تعدادی از اعضای انجمن اسلامی به لیبرالها و بخصوص بنی صدر گرایش پیدا کرده و این را تضعیف بیشتر انجمنها را سبب گشته است.

اکنون انجمنهای اسلامی به مثابه زائده های حزب جمهوری اسلامی پیشبرد بقیه در صفحه ۲۰

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد



نامه‌ای از کارخانجات مهماتسازی

"سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"

"من کارگر سازمان صنایع دفاع ملی (مهماتسازی) هستم. در این مجتمع که بیش از صد کارخانه دارد حدود ۱۱۰۰۰ کارگر و کارمند داریم که در اکثر قسمت‌ها و در بخش کل آن نظامی میباشند و چون محیط تقریباً نظامی میباشد چه زمان شاه مخلوع و چه در این زمان خفقان حکم فرما بوده و این موضوع باعث ناآگاهی کارگران شده و چون در رژیم گذشته کوچکترین اعتراضی را در نطفه خفه می‌کردند، و کارگران هم خیلی راحت پذیرفته بودند و کوچکترین اعتراضی نمی‌کردند این وضع بصورت عادت درآمد و از کنار مسائل خیلی راحتی می‌گذرند، البته از نظر آگاهی با زمان شاه قابل مقایسه نمی‌باشد ولی چون افرادی که سرکار می‌باشند چه مدیران و چه افرادی که کارخانه‌های سیاسی و ایدئولوژیک و قسمت‌های دیگری هستند اکثر آنها از افراد دوسرپرده شاه بوده و با همان فکر کار می‌کنند. در

نتیجه خفقان را دوباره مثل سابق حکمفرما کرده اند و کارگران اسلامی نیز با آنها همکار می‌کنند و در اکثر مسائل با مدیریت هم‌مدار شده و بر علیه کارگران کار می‌کنند.

درباره بر حرکات و کارهای مدیریت و کارگران اسلامی و آراء سیاسی - ایدئولوژیک و ضداطلاعات کارگران برای خواسته‌های رفاه و مقابله با خوفا، به شورا دل بسته اند تا اینکه نمایندگان انتخابی خودشان درباره بر حرکات ضد کارگری تمام اینها با بستند و از حق خود دفاع کنند و شورا نیز تا بحال حرکات مثبتی انجام داده ولی چون قدرت اجرایی ندارد و جلوی حرکاتش گرفته می‌شود و در موارد زیادی از تصمیم‌گیری‌ها اجازه دخالت را با آنها نمی‌دهند نتوانسته خواست کارگران را برآورده کند و از ابتدا شروع کار شورا تا بحال تمام خواسته‌ها روی هم انباشته شده و با یکدیگر گفت که شورا هم ضعف داشته که نتوانسته با خواست کارگران پیش رود چون خود را از کارگران جدا می‌کرده و مسائل و مشکلات را با آنها در میان نمی‌گذاشته تا بتوانند با پشتیبانی کارگران قدرت بیشتری بدست آورند و بتوانند حقوق کارگران را بگیرند. مثلاً تشکیل مجمع عمومی می‌توانست تمام مسائل را با کارگران در میان بگذارد چنانکه یک با رای کارگران انجام شود و نتیجه بسیار خوبی داشت. چون کارگران متوجه شدند که چه کسانی جلوی کارها را می‌گیرند و نمی‌گذارند که خواسته‌های آنها انجام شود و هم اینکه شورا دانستند که کارگران چه میگویند و خواسته‌هایشان چه میباشد و مدیریت نیز بیشتر افساء شد و کارگران سرهنگ یزدانی (مدیر کارخانجات مهماتسازی) را بهتر شناختند. ولی همان یکبار نبود و دیگر شورا مجمع عمومی تشکیل نداده و این یکی و خواسته‌های کارگران میباشند که نتوانند با نمایندگان خود صحبت کنند و مسائل با زگو شود. از شما می‌خواهیم که به من بگوئید چه کار باید بکنم."

"با ایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان"

کارگر عزیز کارخانجات مهماتسازی!

کارگر عزیز کارخانجات مهماتسازی! همانطوریکه خودت گفته‌ای تشکیل مجمع عمومی یکی از وظایف مهم شوراها و حرکت مفیدی در جهت اتحاد کارگران است. مجمع‌های پوپولیکا کارگران را برای فشا نی عوامل ضد کارگر و سازشکار می‌باید. مجمع عمومی محلی برای جمع بندی تعیین عمده‌ترین خواسته‌های کارگران، همچنین تعیین وظایف آتی شورا در همین رابطه می‌باشد. در مجمع عمومی نمایندگان شورا باید گزارش کار خود را بطور دقیق بدهد اطلاع کارگران برسانند و تمام عواملی که مانع اقدامات آنها می‌شوند فشا نمایند. از اینرو کارگران همواره باید بعنوان یک خواست عمومی روی تشکیل جلسات عمومی تا کیدورزند، همچنانکه اگر نمایندگان واقعی کارگران در شورا باشند همین کار را خواهند کرد. اما تعداد افراد سازشکاری که درون شورا مرکزی کارخانجات مهماتسازی پنهان کرده اند خود یکی از موانع بزرگ تشکیل جلسات عمومی هستند. در واقع اینها می‌دانند که اگر مجمع عمومی تشکیل شود خودشان فشاء خواهند شد و بخاطر همین است که از آن وحشت داشته و ما نقش می‌شوند. اکنون تو بقیه کارگران که به نقش تشکیل مجمع عمومی در کارخانه‌ها پی برده‌اید بنیاید با شمشیر شمشیر ترسیمی که می‌توانید با یکدیگر تمام کارگران دیگر را نیز نسبت به این مسئله آگاه گردانید. با یکدیگر هر فرصتی که پیدا می‌کنید، نقش‌های عمومی کارگران را در دست آوردن خواسته‌های بحقتان نشان دهید، طوری که همه کارگران خواستار تشکیل آن گردند. ولی از آنجا که تبلیغ برای تشکیل مجمع عمومی در یک واحد ۱۱۰ هزار نفری کارچندان ساده‌ای نیست، بصحبت در قسمت‌های خود برای کارگران و فشار بر نمایندگان قسمتی خود می‌توانید مجمع عمومی قسمتی را تشکیل دهید. و در آن زمان نمایندگان شورا خود بخوانید گزارش کار شورا مرکزی را ارائه دهید و عملگرند نمایندگان آنرا بازگو کنید. شما به این ترتیب علاوه بر تقویت و انقلابی کردن شوراها ی قسمتی خود شورا مرکزی را نیز می‌توانید تحت فشار قرار دهید، تا مجمع عمومی سرای تشکیل گردد. از اولین کارها نیکه در مجمع عمومی سرای پیدا نماید و افشای عناصر سازشکار شورا می‌باشد. شما نمایندگان واقعی کارگران درون شوراها نباشند نمیتوانید برای تحقق خواسته‌های خود بطور موثری از طریق شورا اقدام نمائید. پیروز باشید

مهمانته ولی چون افراد که سرکارها را می‌گیرند و در اداره سیاسی و ایدئولوژیک و قسمت‌های دیگر هسته از افراد سرپرده شاه بوده و با همان افکار کار می‌کنند در نتیجه همان را دوباره مثل سابق حکمفرما کرده اند و کارگران اسلامی نیز با آنها همکار می‌کنند و در اکثر مسائل با سرپرست هم‌مدار شده و بر علیه کارگران کار می‌کنند.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش‌تاز مبارزات
ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

اول اردیبهشت، تداوم راه سرخ ۱۶ آذر



اول اردیبهشت سالروز سرکوب خونین دانشگاهها توسط رژیم جمهوری اسلامی است. سال گذشته در چنین روزی چماقداران و قذاریه بندان حزب جمهوری اسلامی در صیقل سپاه پاسداران به صفوف فشرده دانشجویان آگاه و مبارز که به دفاع از دانشگاهها و دستاوردهای قیام شکوهمند مردم برخاسته بودند، مسلحانه یورش بردند و با ریختن خون دانشجویان در صحن دانشگاه تهران و سایر دانشگاههای ایران خاطره ۱۶ آذر ۱۳۲۲ را در اذهان شوپها زنده ساختند. دانشجویان انقلابی با مقاومت قهرمانانه خود در برابر تهاجم سازمان یافته به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی که متوجه سلب حقوق و آزادیهای دمکراتیک بود و بجای گذاشتن چندین شهید و صدها زخمی، صفحه سرخ دیگری بر تاریخ مبارزات جنبش انقلابی دانشجویی افزودند. یورش به جنبش دانشجویی در روزهای آخر فروردین و اول و دوم اردیبهشت ۱۳۵۹ در سراسر کشور نه تنها ناشی از وحشت رژیم از گسترش مبارزات - دانشجویی و تعمیق پیوندهای جنبش دانشجویی با مبارزات توده های زحمتکش بود، بلکه اساسا ناشی از نقش بارزی میشد که دانشگاهها در خلال سالها مبارزه پیگیر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جهانی و بویژه در دوران مبارزات شکوهمند توده ها در گسترش و تعمیق مبارزات - فدا مپریالیستی - دمکراتیک میهنان داشته اند.

زحمتکشان رژیم ضد مردمی شاه نیز گرجه برای توسعه نظام سرمایه داری وابسته و تامین کارما هرفنی و اداری مورد نیاز صنایع وابسته و ماشین دولتی خود به گسترش دانشگاهها مبادرت - میورزید، لیکن بارها از وحشیانه گسترش مبارزات دانشجویان و بنیه منظور جلوگیری از افشای سیاستهای ضد مردمی اش توسط آنها، دانشگاهها را به تعطیلی کشاند. پس از قیام بهمن ماه، دانشجویان که شاه ضد روی کار آمدن دولتی که اشیاء و بازرسانی نظام سرمایه داری وابسته را وجه همت خود قرار داده بود، بودند به مبارزات خود جهت تعمیق جنبش فدا مپریالیستی - دمکراتیک مردم میهنان ادامه دادند. آنها محیط دانشگاهها را - به مرکزی برای آگاهی دادن به زحمتکشان و افشای سیاستهای حاکمیت علیه زحمتکشان و خلقهای کرد، ترکمن و... تبدیل کردند. دفاعات دانشجویی به بلندگویی زحمتکشان و خلقهای بیخاسته تبدیل شدند. دانشجویان با برپائی صدها نمایشگاه عکس، پوستر و فیلم و برگزاری جلسات بحث و گفتگو و نمایش تئاتر و فیلمهای انقلابی و نصب اوزالیدهای خبری هر روز در اطراف دانشگاهها گامهای تازه ای در ارتقاء آگاهی توده های زحمتکش برداشتند. فعالیتهای افشاء گراننده دانشجویان انقلابی علیه قتل عام

خلق کرد (نظیر قتل عام روستاهای قله تان و قارنا) امکان نیشبورد سیاستهای ضد مردمی و سرکوبگرانه علیه زحمتکشان و خلقها را برای رژیم با اشکال روبرو میساخت اگر چه حاکمیت رسانه های گروهی را در قبضه خود در آورده بود، لیکن وجود اسپین مراکز افشاءگری و روی آوری بیش از پیش کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار خلقی به دانشگاهها جهت کسب اخبار واقعی و آگاهی از حقایق - حاکمان سرمایه را در چارو حشت ساخته بود و پراستی دانشگاه در دید بقدرت رسیدگان از "بیب خوشه ای" هم خطرناکتر شده بود.

مقاومت وجود شوراهای واقعی متشکل از استادان و دانشجویان و کارکنان آگاه مبارزان استقرار حاکمیت به قدرت خریدگان در دانشگاهها بود. از این رو چند صیاحی از قیام نگذشته بود که حاکمیت توطئه سرکوب دانشگاهها و به بند کشیدن دانشجویان و دانشگاهیان مترقی را طرح ریزی کرد.

رژیم برای به قبضه در آوردن دانشگاهها توطئه فراوانی را آزمایش کرد. و زمانی که جنبشهای سلامتی دانشجویان ما مورقبضه کردند دانشگاهها شدند و زمانی دیگر لیبیرالها کوشیدند به شیوه عوامفریبانه خود ضمن بازنگهداشتن دانشگاهها به منظور تربیت "متخصصین" برای بازرسی نظام سرمایه داری وابسته

بقیه در صفحه ۱۰

بازگشائی دانشگاهی مردمی، آزاد، شورائی، خواست مردم ایران است

اول اردیبهشت، تداوم...

بقیه از صفحه ۹



مانع از فعالیت گروههای دانشجویی شدند. در اسفندماه ۵۸ آقای میرسلیم سرپرست وقت وزارت کشور با ارسال بخشنامه‌ای به دانشگاهها و مدارس عالی کشور، دستور جلوگیری از فعالیتهای سیاسی گروههای دانشجویی در دانشگاهها را میدهد. اما سردمداران حزب جمهوری اسلامی که شاهدور شکستگی سیاستهای دولت در به قبضه در آوردن دانشگاهها و به بند کشیدن دانشگاهیان آنگاه انقلابی بودند، کوشیدند شکست سیاسی - ایدئولوژیک خود را در برابر جریانات انقلابی با چماق سرکوب جبران کنند.

با اوج گیری مبارزات طبقاتی، که در اعتراضات و اعتصابات کارگران و گسترش مبارزات خلقها و تعمیق پیوند جنبش انقلابی دانشجویی با جنبش زحمتکشان تجلی میافت، حرکتهای سرکوبگرانه و ضد مردمی حاکمیت تشدید یافت. بدنبال حمله جدید به کردستان در فروردین ۵۹، توطئه آنها جمعبسته دانشگاهها تحت لوای عوامفریبانه "انقلاب فرهنگی طرحریزی شد و بعد از یکسری زمینه سازیها، اراذل و اوباش وابسته به حزب جمهوری اسلامی در پناه اسلحه پاسداران به دانشگاهها یورش بردند و دانشجویان را به خاک و خون کشیدند.

در اول اردیبهشت ۵۹، خیابان آذربایجان صحنه نبرد خونین بین جماقداران و قمعکشان حزب جمهوری اسلامی و پاسداران سرمایه از یکطرف و دانشجویان انقلابی منجمله دانشجویان پیشگام، مبارزو... و مردم آگاه و مبارزی که از در روزپیش به حمایت از آنها در جلوسا ختمشان پیشگام مرکزی گرد آمده بودند، از سوی دیگر بدل شد و طی درگیریهایی که تا اولین ساعات با مداروز بعد ادامه یافت در دهها نفر کشته و زخمی شدند.

در دوم اردیبهشت ۵۹، در پی تحریکات جنبی امام جمعه وقت اهواز و از فقههای کنونی شورای نگهبان (ارادلو و اوباش به دانشگاهها هواز حمله کردند و صحن دانشگاه را از خون مدها دانشجویی انقلابی گلگون ساختند. در ادامه آنها جمبه دانشگاه چندین دانشجوی دستگیر شده و بطرز وحشیانه‌ای در تالار شهرداری (که از آن بعنوان زندان استفاده میشد) کشته میشوند. یکی از دختران دانشجو (رفیق مهنار معتمدی) که به شکنجه و شلاق اعتراض کرده بود توسط پاسداران به رکیار مسلسل

بسته میشود. بعدها بدستور جنبی چند نفر از زندانیان (رفقا احمد مؤذن، مسعود انبالی، دکتر اسماعیل نریمی، مهدی علیوی شوشتری) صرفاً بخاطر دفاع از آرمان رهائی طبقه کارگر پیش درهای بسته محاکمه و اعدام میگرددند.

در همین روزها جناحی تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" در کیلان، شیراز، تبریز، سیستان و بلوچستان و... صورت میگیرد که در تاراج یورش سرکوبگران به دانشگاهها بی سابقه است.

دانشجویان آگاه و مبارز که بخوبی از اهداف ضد مردمی سردمداران حزب جمهوری اسلامی و عوامفریبیهای بنی صدارتگاه بودند، کوشیدند تا با مقاومت و پایداری در برابر این تهاجم، به افشای ماهیت حزب و رئیس جمهوری و شورای انقلاب بپردازند. مقاومت مشکلا نه دانشجویان در دفاع از دانشگاهها و حقوق و آزادیهای دموکراتیک نشانه بارزی از عزم راسخ دانشجویان انقلابی در ایستادگی در برابر حرکتهای سرکوبگرانه، حاکمیت علیه زحمتکشان و خلقهاست. مقاومت دلاورانه دانشجویان بار دیگر به توده ها نشان داد که برای پاسداری از حقوق و آزادیهای دموکراتیک که به بهیهای جانبازی و قهرمانی دهها هزار تن از مردم قهرمان میهنمان بدست آمده است، دانشجویان همگام با خلق، سینه های خود را آماج گلوله های ضد انقلابیون و حامیان سرمایه میسازند. سرکوب اول اردیبهشت همانند بسیاری از سرکوبیهای دیگر تجربه مبارزاتی خلق و ویژه جنبش دانشجویی را غنی تر ساخت. زحمتکشان که هرگز تصور نمیگردد بعد از سقوط شاه به این زودی شاهد کشتن دانشجویان و به خون کشیدن دانشگاهها

باشند، دیدند که رژیم کی که خود را "انقلابی" و "ضد امپریالیست" معرفی میکند چگونه به کشتار روحیانه دانشجویان انقلابی اقدام میورزد. مردم همچنین شاهد بودند که چگونه کسانی چون بنی صدر که خود را "دمکرات و آزادیخواه" قلمداد میکنند، سر سنگفرش گلگون زخون دانشجویان انقلابی روز ولادت حاکمیت دولت خود را جشن میگیرند. (بگذریم از اینکه اکنون که مه قعییت بنی صدر و سایر لیبرالها در حاکمیت تضعیف گشته است، میکوشند تا خود را مخالف آنها جمبه دانشگاهها و مدافع با زگشائی آنها قلمداد کنند.)

واقع دانشگاه و مضع کیستی سازمانها و جریانهای سیاسی گوناگون را در مقابل آنها جم سازمانها و دشمنان خلق را بیش از پیش برای توده ها آشکار گردانید. انجمنهای اسلامی دانشجویی که از بار پیشبرد سیاستهای حزب جمهوری اسلامی در دانشگاهها بودند، با بسیج و هدایت اوباشان و جماقداران و رشکستگسی سیاسی خود را به نمایش گذارده و بیشترا ز همیشه در چشم دانشگاهیان و توده های مردم رسوا گشتند. همراهی آنان با مزدوران حزب جمهوری اسلامی نشان داد که آنها پایگاه خود را در دانشگاهها از دست داده و در برابر نیروهای انقلابی که هر روز بیشتر قدرت می گرفتند و دانشگاهها را به مراکز برای تعمیق و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی و یاری رساندن به مبارزات زحمتکشان و خلقها تبدیل کرده بودند، ضعیف گشته بودند.

دانشجویان هوادار حزب تسوده همچون گذشته، به پیروی از سیاستهای اپورتونیستی حزبشان بار دیگر ماهیت تسلیم طلبانه خود را در مقابل یورش علیه خلق نشان دادند. آنان همانند رهبران حزبشان نشان دادند که در برابر تهاجم سرمایه به حقوق و آزادیهای دموکراتیک و در شرایطی که وفادارمانندن به آرمان طبقه کارگر مستلزم جانبازی و فداکاریست، فرار را بر قرائت ترجیح میدادند. آنها همچو گذشته کوشیدند که با عقب نشینی در برابر ارتجاع از لطف وی برای بقا حقیقانه خود بهره مند گردند و مانند همیشه "تحریکات گروهکهای چپ" را عامل اصلی این توطئه ضد مردمی قلمداد سازند.

انجمن دانشجویان مسلمان با اتخاذ سیاستی راست روانه و دنباله روی از سیاستهای یک جناح از حاکمیت در برابر جناح دیگر، مقاومت دانشجویان آگاه و مبارز را خدشه دار کرد. انجمن دانشجویان مسلمان که در ابتدا با افشای همه جانبه نقش بارزی در افشای توطئه حمله به بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱۰

دانشگاهها ابعاء کرد، پس از صدور بخشنامه شورای انقلاب مبنی بر تعطیلی دفاتر دانشجویی، با تحویل دفاتر خود عرصه مبارزه و مقاومت علیه تهاجم به دانشگاهها را خالی کرد و در برابر نطق رئیس جمهور دست به عقب نشینی زد. احضار دانشجویان مسلمان به جای تقویت صفوف نیروهای انقلابی، دنباله روتاکتیک جناح دیگر حاکمیت شد.

رهبران کمیته مرکزی که بعد از پلنوم مهر ماه ۵۸ گامهای بلندتری بسوی اپورتونیسیم برداشته بودند کوشیدند علیرغم مقاومت دلیرانه دانشجویان پیشگام، سیاست سازشکارانه خود را با حاکمیت بسط پیش برند. آنان که زیر فشار توده های دانشجویی و مردم با مواظبت دانشجویان موافقت کرده بودند، مقاومت و تقاضای و شهاست دلآورانده دانشجویان را وجه الممالحه مذاکرات و سازش خود با حاکمیت نمودند. این "رهبران" که وقتی پای مذاکره با "بزرگان" پیش میاید (نه مقاومت و مبارزه در میدان) ابائسی ندارند که خود را بجای دانشجویان بزنند، خون شهدای دانشجویان را وسیله ای برای حرکت سازشکارانه و نزدیکسی به هیئت حاکمه و افتتاح بناب مذاکرات دوستانه!! بنمایند و برایشان مهم نبود که این حرکات چه ضربه ای به جنبش دانشجویی میزند. در برابر سیاستهای راست روانه ولیبرالی، دانشجویان هوادار بیکار حرکات سکتاریستی و چپ روانه ای را برگزیدند. آنها بدون در نظر گرفتن مضمون سیاسی مبارزه و مقاومت و بی توجه به شرایط عینی جامعه کوشیدند تا بیلات ذهنی خود را ارضاء کنند. آنها بدون توجه به ذهنیت توده ها، بدون توجه به برآمد و عملکرد نیروها، بدون توجه به امکان رویارویی دانشجویان با مردم ناآگاه و متوجه شعار "مقاومت به هر قیمتی و تا سرحد پیروزی" را سر میدادند. آنها علیرغم ادعای خود مبنی بر مقابله با بینش "جدا از توده" "بنا حرکات ما چرا جوابانه و چپ روانه" درک غیر علمی و سکتاریستی خود را از مبارزه سیاسی توده ای بمنضم ظهور رسانیدند.

بنظر ما مقاومت دانشجویان برای حفظ دستاوردهای دمکراتیک قیام و دفاع از دانشگاهی مردمی، آزاد و شورائی اقدامی درست و درخور تأیید و تحسین بود. این وظیفه است دانشجویان مبارز و انقلابی بود که در مقابل بورژوازی رژیم به دستاوردهای قیام تا سرحد آگاهی دادن به مردم و رسوا کردن سیاستهای ضد مردمی رژیم دست به مقاومت و افشاگری میزنند. این اصل اساسی است که مسئله انقلابیون هیچگاه بدون مقاومت و مسابست دلیرانه از میدان بدر نمیروند. اما مسئله استفاده از تاکتیکهای درست و بجا و سنجیده امری است که انقلابیون راستین هیچگاه آنرا فراموش نمیکنند. ما با پیدای توجه به تسوان

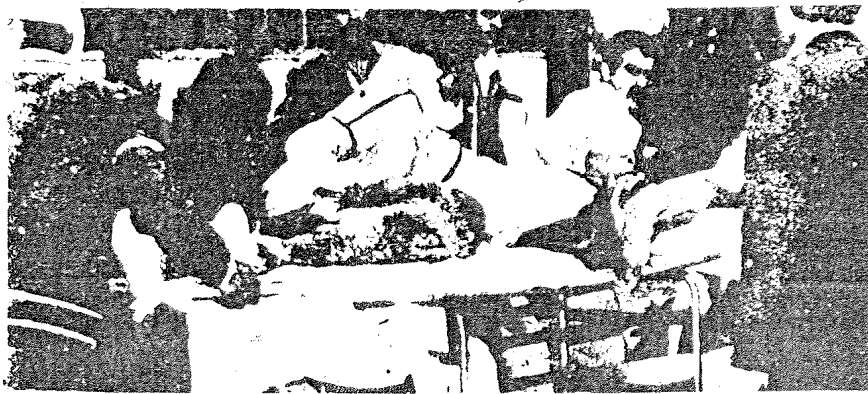
اول اردیبهشت، تداوم...

توده ها، توازن نیروها و تضادهای موجود و جوی که صمه حرکتها را تنظیم کنیم. ما نمی توانیم فرسنگها از توده ها جلو باشیم. پیشروان انقلابی همگام و پیشا پیش توده ها حرکت میکنند. در مساله مقاومت دانشگاه، مقاومت و درگیری ما باید تا آنجا باشد که به خواست دمکراتیک دانشجویان و مردم دفاع از دستاوردهای قیام پاسخ داده و حداکثر افشای گری را از حرکت ارتجاعی و ضد دمکراتیک حاکمیت بعمل آوریم. حرکت ما نمی بایستی این بوده باشد که بهر قیمت درگیری و مقاومت را گسترش داده تا جایی که به رویرویی مردم ناآگاه و توهمزده منجر شود.

اکنون با گذشت یکسال از سرکوب اول اردیبهشت، جنبش انقلابی دانشجویی با کوله باری از تحسار و عیب به مبارزه خود برای بازگشائی دانشگاهها، این سنگرها را زادی آگاهی، قرار دادن مجدد آنها در راستای مبارزات ضدامپریالیستی-دمکراتیک توده های زحمتکش، ادامه میدهد. حاکمیت نیز، آگاه از زور شکستگی سیاست عواقرسیانه انقلاب فرهنگی و سرکوب از اوچگیری مبارزات توده ها و بیوزنه گسترش مبارزات دانشجویان آگاه و انقلابی، اینبار رسیده دیگری در برابر دانشگاهها در پیش گرفته است.

آیت الله خمینی در پیام نوروزی خویش به ضرورت بازگشائی دانشگاهها در سال جاری اشاره کرده است و

تربیت "متخصص" شعار بازگشائی دانشگاهها را میدهند، هیچکدام خواهان بازگشائی دانشگاهی که در خدمت آگاهی زحمتکشان و تأمین منافع آنان باشد، نیستند. سیاستهای گذشته حاکمیت نشان داده است که هرچنان کوشیده است به شیوه خود از تبدیل شدن دانشگاهها به کانون آگاهی دهنده زحمتکشان جلوگیری بعمل آورد. آنها تلاش کرده اند تا از ایجا دشواریهای واقعی در دانشگاهها که مانع تحمیل سیاستهای ضد مردمی برداشته است، مانعت بعمل آورند. اما دانشجویان آگاه و مبارز و کلیه نیروهای مترقی که رهائی میهن از یوغ امپریالیسم می اندیشند طالب دانشگاهی هستند که قبل از هر چیز در خدمت منافع کارگران، زحمتکشان، و خلقهای تحت ستم باشد. دانشگاهی که در آن آزادی فعالیتها یعنی و دمکراتیک دانشجویان در جهت آگاهی دادن به توده های زحمتکش و افشای علیه سیاستهای حاکمیت تا میر شده باشد، امور را وسیله شوراهای واقعی (منتخب دانشجویان، اساتدان و کارکنان) اداره شده و این شوراها در جهت تغییر بنیادی نظام آموزشی قطع و استگی از امپریالیسم کام بردارد. در مقطع کنونی، مبارزه برای بازگشائی یک چنین دانشگاهی از وظایف مرم دانشجویان و دانش آموزان آگاه و مبارز و کلیه نیروهای انقلابیست. مبارزه برای بازگشائی دانشگاهها گامی در جهت تأمین و گسترش حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی مردم و تعمیق مبارزات ضدامپریالیستی میهنمان است.



در آستانه اول اردیبهشت بکوشیم با برپائی نمایشگاههای خیا بین و جلسات بحث و گفتگو در مدارس، خیابان و میدانهای مرکز تجمع عمومی افشای گری وسیع و همه جانبه پیرامون توطئه تعطیلی دانشگاهها و علل عدم بازگشائی آنها و گسترش مبارزات خود برای بازگشائی دانشگاههای مردمی، آزاد و شورائی، یا دشمنای سرکوب خونین اول اردیبهشت و حماسه مقاومت دانشجویان را گرامی بداریم.

بنی م در در پیامی به مناسبت فروردین خواستار فعال شدن دانشگاهها شده است. اما آشکار است دانشگاهی که آنان طالب آنند باید دانشگاهی که نیروهای مترقی مدافع منافع زحمتکشان میخواهند، تفاوت بنیادی دارد. چه آیت الله خمینی و حزب جمهوری اسلامی که شعار "اسلامی و مکتبی کردن" دانشگاهها را میدهند و چه لیبرالهایی که با دفاع دروغین از آزادیهای سیاسی و تاکتیک در ضرورت

حماسه مبارزه، مقاومت، وشهادت بیژن جزنی و همرزمانش همیشه الهام بخش مبارزان راه رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما خواهد بود.

آری شاه جنایتکار میخواست با کشتن این مبارزان که سمبل عیارزه و مقاومت بودند، اولاً از "شر" مبارزترین و انقلابی ترین عناصر انقلابی خلاص شود و ثانیاً زهرچشمی از سایر زندانیان انقلابی و مبارزان خارج از زندان بگیرد. این جنایت، همداراً شاه به مبارزان و مردم قهرمان ما بود. او میخواست بگوید: من از انجام هیچ جنایتی ابا ندارم. وقتی بیژن جزنی و یارانش را تحت عنوان "قرار" میتوانم سربه نیست کنم بقیه باید فکر کارشان را بکنند! اما این اقدام شاه تنها ضربه ای بود به عناصر مردود و ترسو که به

در داخل کشور و تظاهرات و اشغال سفارتخانه های شاه در خارج از ایران گرفته تا شرکت مردم در مراسم یادبود شهیدان و همراهی در اعتراضات خانواده های شهدا جلوی داد درسی ارش و ساواک، در شرایط اختناق آرزوز، همه حاکی از پشتیبانی خلق قهرمان از مبارزان و پیشقراولان راه رهایی کارگران و زحمتکشان و نفرت از رژیم دست نشانده شاه بود. مردم مبارزانی می اندیشیدند و در سوگ عزیزانی بخشم آمده بودند که از آغا زگران جنبش انقلابی مسلخانه بودند، کسانی که با هر نوع سازشکاری و مماشات خط و مرز قاطعی کشیده و زندان را نیز به صحنه مبارزه و مقاومت تبدیل کرده بودند.

شش سال پیش در بعد از ظهر سیام فروردین مردم ایران با خیره بهشت انگیزی رو برو شدند: روزنامه ها خبر داده بودند که زندانی سیاسی هنگام فرار کشته شده اند!! خبر کوتاه بود. مردم بهت زده خیر را گرفتند ولی هیچکس آن را باور نکرد. اسامی برای همه آشنا بود: جزنی، ظریفی، سردی و ... اینان هشت سال در زندان بودند و مردم ما دستگیری، محاکمه، شکنجه ها، مقاومت ها، اعتصاب غذاها و درگیری های درون زندان آنان را تعقیب میکردند. و اینک رژیم آخرین ضربه را زده بود. آن ها را کشته و از ترس زسوانی در پیشگاه خلق بدروع عنوان فرار را اختراع کرده بود!

۹ زندانی در حال فرار کشته شدند

امروز مقامات انتظامی اعلام کردند ۹ نفر زندانیانی که قصد فرار داشتند کشته شدند. طبق اعلام مقامات مزبور تعدادی از زندانیان ماجراجو در داخل زندان مبارات بخریک سایر زندانیان می نمودند. مقامات زندان تصمیم گرفتند آنها را به زندان دیگری منتقل نمایند. هنگامی که اتوبوس حامل زندانیان مورد بحث جهت انتقال آنان به زندان دیگر در حرکت بوده زندانیان ضمن حمله به اتوبوس مستقر در اتوبوس احمد جلیل افشار ۳ - عزیز سردی ۴ - بیژن جزنی ۵ - طهمین آمان موفقی می شوند از اتوبوس خارج و مبارات به فرار نمایند که در این موقع مامورین مستقر در دوخورو متعاقب اتوبوس ۹ - عباس سورگی

هفت فدائی خلق: بیژن جزنی، عزیز سردی، سعید کلانتری، محمد ضیا، ظریفی، محمد چوپا نژاد، احمد جلیل افشار و عباس سورگی و دو مجاهد خلق مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار بدست دشمنان شاه در تپه های اوین تیرباران شده بودند. مردم بدون اینکه بطور دقیق از کم و کیف قضیه آنطوریکه تهرانی جلال ساواک در دادگاه پرده آرزوی آن برداشت، مطلع باشند با قاطعیت خود دست خونین شاه جنایتکار را در توطئه قتل این مبارزان خلق، این پیشگامان ارزشمند جنبش انقلابی بخوبی دیدند. آنان در آن بحیثیت دیکتاتور محمد رضا شاه با شکال گوناگون تنفروا نرزا خود را از این جنایت رژیم شاه نشان دادند. از تظاهرات و اعتصاب دانشجویان

ریاست اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی
ساواک
تاریخ: ۱۳۶۰/۰۹/۰۹
شماره: ۵۳۱۲۷
پیوست: ۲
موضوع: دستگیری
مبارزان انقلابی
درباره فرار ضربه مرگ تعدادی زندانیان ضد امنیتی
از چندین پیشگامان و اهل مبارزاتی که تعدادی از زندانیان ضد امنیتی در داخل زندان مبارات به تشکیل کمیته ای متعدد نمودند و در این کمیته سید ایدین را مأمور به بحث فرار دادند و در زمینه نحوه فعالتهای آن پس از آزادی از زندان تبادل نظر مینمایند. با وصول گزارشات مذکور تعدادی
برای فرار از زندان برنده شده و اقدام محمد چوپا نژاد و موضوع نامه شماره ۱۶۸۵۷/۳۱۱-۲۵/۱۱/۵۰ و مکاتبات متعدد دیگری که در زمینه اعتصاب غذا تبلیغ سایر زندانیان و برخورد با مامورین زندان از طریق این سازمان و شهرستان کشور رمورد نامبردگان بعمل آمده نشانگر روح سرکشی و تعصب آلورد و آتش ناپذیری و اقدامات مستمر آنها در زمینه مبارزه با رژیم شاهنشاهی بوده است. همچنین آثار متعدد ای از متهمین دستگیر شده اخیراً کار از ارتباط مصطفی جوان خوشدل در کاظم فی و لایزال سازمان استریمتاری که برای این اسلحه ها مساعدین خلق ایران در خارج از زندان به گروههای خرابکاره پیوندند که نقشه آنها تا مرحله هائین آمدن از ارتعاب موفقی، لیکن به علت عدم حسابگری در زمینه اتعاب حامل مامورین مسلح اسکورت، به شرح فوق محاصره و معدوم شدن فاند طبعه آنها با اقدام ۸۷ مرگ سواک امر، خواهشمند است دستور فرمائید از نتیجه اقدامات پرسیدگی های معموله این سازمان آگاه فرمایند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور: ارتشید نصیری
مبارزان انقلابی
مختصیل
۵۳۱۲۷
۵۳۱۲۷
۵۳۱۲۷

حماسه مبارزه، مقاومت وشهادت بیژن جزنی و همزمانش...

شهادت رسیده و گفته شده که در اثر سهل انگاری و کمانه کردن تیرا کشته شده اند و کشتار را خیر در قزوین و کتاب نمونه‌هایی از این جنایت است. همه این فجایع گواهی این امر است که رژیم جمهوری اسلامی در کشتار و نابودی مخالفین دست کمی از رژیم شاه ندارد! این طفل یکشنبه رده ساله می‌رود تا زه این جنایات و کشت و کشتار سواقی کشتار مبارزان دلاوری نظیر دکتر رشوند سرداری معلم مبارز گرجی بیانی، دکتر میرا زرنریمشکاری و فدائی خستگی ناپذیر سعید میرشکاری و... است که بدون محاکمه و یا با محاکمات چند ساعت بدست جلادانی نظیر خلغالی جنتی و فهیم در کردستان، خوزستان و کرمان بشهادت رسیده‌اند. و بی‌گسز کسانی هستند که ظرف دو سال گذشته بدست پاندهای سیاه و وابسته به سیاه پاداران و کمیته‌ها در لاهیجان (وندادایمانی و...)، کرمانشاه عقیقی و... (بلوچستان) (امین نورانی و...) (کرمان) (علی فدائیان) و... ترور شده‌اند. جنایات و فجایعی که این روزها ابعاد بسیار گسترده‌ای گرفته و رژیم کوشش دارد این حرکت ضد انقلابی یعنی ترور سیاه را با مری سیستماتیک تبدیل کرده و آنرا جانشین چماقداری که کوس رسوائیش زده شده، بنماید. واقعاً که سیاه جنایات رژیم جمهوری اسلامی هر روز قهقرو تر و قهقرو تر میشود.

دولت جمهوری اسلامی با دیداند هما نظوریکه مردم ایران رژیم شاه را پس از این همه جنایت از جمله کشتار انقلابی، بگور سپردند، هما نظوریکه

تسلیم و راضی و آوارش و دگرگون کردن در آرزو تزلزل ناپذیر انقلابیون راستین کوچکترین اثری نداشت. این جنایت تنها چهره جنایتکار و ضد خلقی رژیم را بیش از پیش در چشم مردم نمایان ساخت و تصمیم انقلابیون را در مبارزه علیه رژیم را سخت‌تر کرد. این جنایت واقعاً تیرباران خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان را که مردم وسیعاً در جریان محاکمه آنان قرار داشتند زنده کرد و کینه مردم را نسبت به رژیم شاه و آریا با نش صدچندان نمود. رژیم که با این کشتارها فکر میکرد خواهد توانست شعله مبارزه را خاموش ساخته و حاکمیت خود را ابدی سازد تنها سه سال پس از این واقعه با اوج گیری مبارزات خلق که به قیام شکوهمند بهمن ماه منجر گردید بباله‌ها در تاریخ سپرده شد.

خلقهای قهرمان ایران که رژیم شاه را سرنگون کردند، انتظار داشتند دیگر چنین صحنه‌هایی هرگز تکرار نشود، دیگر زندانهای ایران محل و ماوای مبارزان و انقلابیون نگردد و تنها دشمنان خلق، شکنجه‌گران و عوامل رژیم شاه و امپریالیسم زندانها را پر کنند! اما چه خیال عیبی! هنوز خون شهیدان روی اسفالت‌های خیابانها خشک نشده بود، هنوز مردم از کابوس شکنجه‌گاههای آریا مهربی اوبین کمیته آرا می‌نیافته بودند، مگر کماکان به قدرت رسیده، مبارزان انقلابی و ضد امپریالیست را دوباره بزندانها انداختند و دوباره بساط زجر و شکنجه برپا کردند. با زهم همان شیوه‌های نابودی انقلابیون توسط سرکوبگران، شکنجه‌گران و زندان - بانان تازه بدوران رسیده از سر گرفتند. تنها یکسال از حکومت جمهوری اسلامی می‌گذشت که چهار تن از رهبران خلق ترکمن، تومساج، واحدی، جرجانی و مختوم در حالیکه در دست پاداران اسیر بودند در گنبد بدون محاکمه تیرباران و به جنگل افکنده شدند و رژیم و قیام‌ها اعلام کرد که آنان در هنگام نقل و انتقال بدست گروهی بگروگان گرفته شده و سپس کشته شده‌اند! "آریا راستی سردمداران جمهوری اسلامی تصور میکردند مردمی که تمام شکردهای رژیم شاه را تجربه کرده بودند و خاک طره کشتار ۹۹ فدائی و مجاهدان را بپا داشتند این دروغ آنان را باور میکنند؟! آنها میخواستند چه کسی را بفریبند و چه آزمون‌دهی را بآنها بکنند؟! اگر رژیم شاه بخاطر تجربه و سازمان یافته گیش و اتخا ذ شیوه‌های سیستماتیک سرکوب تنها چند بار طی دودهمه به اقدامی اینچنین دست زد، اما رژیم جمهوری اسلامی در این باره پافشاری ترنهاد و طرف یکسال گذشته بارها و بارها تیربوهای انقلابی را در زندان بقتل رسانده است. کشتن رفیق جهانگیر قلعه میاندوآب (جهان) که پس از چند روز با زداشت، پیکر بی‌جان و شکنجه شده‌اش در سردخانه پیدا شد، کشتار دهها مبارز که پس از دستگیری بدون محاکمه بدست پاداران به

این کشتارها نتوانست در آرزو آنها در مبارزه علیه رژیم شاه خللی ایجاد کند، بلکه عزم آنها را در مبارزه جزم تر کرد تا جاییکه اعتراضات به فریادها و مشتها به مسلسل‌ها تبدیل شد. اینک نیز مردم با قدامت سرکوبگرانه جمهوری اسلامی با کینه و انزجار بر خورد میکنند. این کشتارهای پنهانی که در زندانها تحت عناوین مختلف انجام می‌شود، این ترورهای که هر روز در این شهر و آن روستا صورت می‌گیرد، این زجرها و شکنجه‌ها هرگز نخواهد توانست در آرزو تزلزل ناپذیر این خلق بیا خاسته خللی ایجاد کند.

اگر رژیم شاه نتوانست با آن همه جنایات وحشیانه و کشتار مبارزان و انقلابیون در زندانها، شکنجه‌گاهها، کوه و خیابان تحت عنوان "خوابگاه" حاکمیت شکنجش را تثبیت کند، رژیم جمهوری اسلامی هم خواهد توانست با کشتار انقلابیون ضد امپریالیست و ضد سرمایه‌دار تحت عنوان "ضد انقلاب" پایتخت‌های تزلزل رژیم را استوار کند آنان با ید این واقعیت سترگ تاریخ را بداند:

آنانکه باد میکارند

طوفان درو خواهند کرد

درود بی‌پایان به شهدای سنیام فروردین: فدائی خلق ۲ مجاهد خلق و همه شهدای بخون خفته خلق. افتخار به مادران و پدران مبارزی که همراه با جنبش انقلابی خلق در جهت پیشبرد اهداف انقلابی فرزندان نشان به پیش می‌روند.

افتخار به خلقهای قهرمانان وطنمان که راه شهدا و قهرمانان را با کراه بهروزی کارگران و زحمتکشان وطن ما ست با عزمی آهنین ادامه میدهند.

در مراسم بزرگداشت ۹ رزمنده فدائی و مجاهد خلق شرکت کنیم! مواطنان مبارز، زحمتکشان ایران!



۳۰ فروردین با داور روزیست که فرزندان دلاور خلق هفت تن از فدائیان خلق
بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، عزیز سمرمدی، مشعوف (سعید) کلانتری، عباس سورکی، محمد چوپان زاده و احمد جلیل افشار همراه دوتن از

مجاهدین خلق کاظم دو الانوار و مصطفی جوان خوشدل در زندان اوین بدست جلادان جنایتکار رژیم مزدور شاه ترور شدند. آنها که سالها علیه رژیم مزدور شاه مبارزه کرده بودند تا اولین لحظات زندگی خود، به آرزوهای خود و فداکاریهای خود تا پذیر خود را بخلق ندادند. آنها سمبل مبارزه، مقاومت، عشق به توده‌ها و کینه و نفرت نسبت به دشمنان خلق بودند.

از هموطنان زحمتکش و مبارزان دعوت میکنیم که به منظور بزرگداشت خاطره و مبارزات این فرزندان راستین خلق و نشان دادن نفرت خود نسبت به کسانی که آرزوی سرکوبی، شکنجه و ترور زندانیان سیاسی منوط می‌نمایند، در مراسم بزرگداشت این شهدای جان سیر کف خلق آزوسی خانواده‌های جزنی، ظریفی، سمرمدی، کلانتری، سورکی، چوپان زاده و جلیل افشار روز جمعه ۲۸ فروردین ماه ساعت ۱۰ صبح در هیئت زهرا ۲۳ برگزار میشود، شرکت کنید.

ارزیان گزارشها:

مردم چه میگویند، مردم چه میخواهند؟

ساعت ۶/۵ صبح بود توخیا بسان آرا مگانه منتظرا تو بوس بودم غیزا ز من یک با سبان با قیافه ای سیه چرده - دهقانی و یک مرد میان سال ریزز اندام، باکت و شلوار چروکیده نیسز ایستاده بودند. بعد از یک ربع ساعت انتظار و کا میون بنزخا وره اتنی با ترمز خشنی جلویایمان ایستاد دورا ننه داد زد: "هرکی میا دیردیا لامنم تبا مخبارالدوله میرم" هر سه نفر سوار شدیم و کا میون چون کوه سنگینی از جا کنده شد و حرکت کرد هنوز چند دقیقه ای نگذشته بود که مرد میان سال از جا پرید و با اشاریه دو پسر جوانی که علامه می جسیا ننددیا غیظ و عصیانیت گفت:

"مملکت را این کمونیستها به اینجا کشیدند بعضی درس خواندن مردم را تحریک می کنند با بد جلوشون را گرفت. من گفتم: کجا درس بخونن دانشگاه را که حکومت بسته است. راننده ترمز کرد ننده عقب گرفت و خطاب به دو پسر جوان فریاد زد "موقی باشیدا! "مرد میا نسال زیر لب تکرار کرد: "لا لاله" راننده نگاه نافذ خود را از پشت ابروان کم پیشش به رو برود و خت و صدای محکمش در کا میون بیجید: "میدونی آقا خودما اول آدم نا آگاه بودم. چیزی حالیم نبود، ولی از وقتی چیز سرم شده دیگه سعی می کنم هر چیزی را تا تهش برم حتی اگر شده جونم را هم از دست بدم. راستش می خواهم این کمونیست ها همون دانشجویانی هستند که بیشتر از همه برای انقلاب زحمت کشیدن. من خودم دیده ام که چطور ما مورهای گارد دانشجوها را کتک می زدند ولی آنها نمی ترسیدند و مرگ بر شاه می گفتند. ولی الان بجای قدر دانی، دردناک ها را بسته و دانشجوها را پس از عمری درس خواندن و زحمت کشیدن بیکار شون کردند من که هر وقت از جلوی دانشگاه رد می شوم و می بینم دانشگاه، مثل بچه های یتیم خالی از دانشجو شده، مثل بچه خرابه است دلم پراز خون میشه"

راننده آه سردی کشید و سکوت کرد. مرد ریز اندام در حالیکه سعی داشت خودش را آرام نشان بدهد گفت: "آخه داداش اینقدر ساده نباش شما اینها را نمی شناسید از خرابیها پول می گیرند و به جمهوری اسلامی فحش میدند، بهشتی چشم اینا رو کور کرده، بنی صدر بین مردم عزیز است و کمونیست ها را سوزانده، دانشگاه را هم، همین کمونیستها اینطوری کردند. عصبانیت گفتم "چی میگید آقا دیگه همه این را میدوند که چه بهشتی چه بنی صدر دست به یکی کردند و دانشگاه

را اردیبهشت پارسال تعطیل کردند" با سبان که تا حالا ساکت بود یک دفعه برید وسط صحبت من که به بنی صدر نبود همه اش تقصیر حزب بود. راننده با حالتی که حاکی از حسن احترام عمیق به مخاطبش بود برکتش به روزنامه ای که دست من بود خیره شد و لحظه ای ساکت ماند بعد با حالتی مودبانه گفت: "میدونی آقا دانشجو حرف بیهوده نمی زند من مخالف صرف روحانی نیستم ولی وقتی دانشجوها با بهشتی و بنی صدر مخالفت می کنند حتی میدوند چیکار ه اند، آخه من میدونم دانشجوها چقدر برای انقلاب زحمت کشیده اند، از خیلی وقت پیش در حالیکه پشتش بیشتر خمیده میشد و کا ملا بر روی فرمان ما شین گویا بیده بود به چراغ قرمز خیره شد، گوی در خاطرات خود گذشته را ورق میزد و خاطره ای را از گذشته بیرون می کشید. "بله آقا چند سال پیش بود. دقیق نمیدونم. آنوقتها من جاهل بودم، از سیاست چیزی سرم نمیشد اصلا نمیدونستم سیاست یعنی چه. جلوقهوه خا بنه کوچه مون تو همین کرج نشسته بودیم و گپ می زدیم، امروز کوچه مون از ماشین پلیس پر شده بود. و رفت و آمدهای آدمهای غریب زیبا دبدو دختری با چادر سیاه از سر کوجه و از جلو چند پلیس گذشت. پلیسها دختر را به همدیگر نشون دادند آنموقع من فکر کردم لابد زن بدکاره - ای است."

راننده با حالتی که گویا حرف بسیار زشتی زده و توهین بزرگی به شخص عزیز کرده است حرفش را برید و گفت: "البته می خشین ها که این اصطلاح را بکار بردم، آخه آنموقع فکر من از این بیشتر قد نمی داد دوباره ادامه داد: "زن وقتی از جلو یا سبونها گذشت، زود متوجه قضیه شد، کمی که راه رفته بود سریع چادرشو زمین گذاشت میدونی آقا، زن نبود شیر زن بود، کلتش را بیرون آورد و اخطار می کرد که ساک دستش را پراز نارنجکه مرتب تیر هوایی در می کرد و به ما موران هشدار میداد جلو نیایند."

راننده اندکی مکث کرد ابروانش توهمن گرفته و لبانش غنچه شد. حالت حق به جانبی گرفته و مثل اینکه چیز تازه ای کشف کرده است گفت: "آه اینکه روزنامه های شاه خائن می گفتند اینها به مردم تیراندازی می کردند دروغ محض است من خودم دیدم او به پلیس ها می گفت: شما گول خورده اید. نا آگاهید." راننده

دوباره مکث کرد و با قیافه ای عاجزانه و حاکی از شرم گفت: "آقا در آنموقع من کج شده بودم. اول باری بود که چنین صحنه ای میدیدم، تا آنموقع نشنیده بودم بگویند مرگ بر شاه، زنده باد مردم. از همه عجیب تر خود زن بود همه آن دخترها بی راکه من دیده بودم به چیز دیگه بودن و این زن به چیز دیگه، اسلحه دستش گرفته و با ما مورین می جنگید مات و مبهوت مانده بودم."

با سبان با دهان باز گوش میداد و مرد میان سال زیر لب چیزی می گفت که شنیده نمیشد. راننده با تبسم گفت: "خوب دیگه نا آگاه بودیم. همه اش به چیزت بت می شنیدیم، روزنامه ها، را دیو، تلویزیون... همه به چیز می گفتند بلبه داشتیم می گفتم زن در حالی که عقب می نشست به خونه دکتر..."

رفت و وقتی با خانوادۀ دکتر بیرون می آمد دکترنا مردی و بی مروتی کرد و دختر را نشان داد. سا و آکیها گلوله توی کمرش زدند. زن در حالیکه بر زمین می افتاد مرتب می گفت: مرگ بر شاه، خلق بیروز است و تیراندازی می کرد حتی پای یک ما مور را نیسز زخمی کرد. در همین موقع یکی از ما مورهای نامرد گلوله ای درست به قلب نا زنین دختر زد و دختر خا موش شد. راننده با چنان حالتی کلمسه نا زنین را ادا کرد که کل وجودش حکایت از احترام و افسوس عمیق میکرد:

"بله آقا من بعدها فهمیدم که آن دختر خیلی چیزها می فهمید. می دونست که مملکت دست چه کسانی است. و بخاطر ما جونش را از دست داد. من روی همین اساس فکر می کنم دانشگاهها را برای این بسته اند که دانشجوها را پراکنده کنند و نزارند که آنها حقایق را برای مردم بگویند. آخه دانشجوها خیلی خوب می دونند پشت پرده چه ها می گذرد. مرد ریز اندام ساکت شده بود. حرف نمی زد و با سبیل نا زکش بازی میکرد و دقیقه ای بود به مقصد رسیده بودیم راننده، کامیون را کنار خیابان نگاه داشته بود. من خیره راننده آگاه و مصمم نگاه می کردم و با خود فکر می کردم بگری که توسط جزئی ها کاشته شده عالی در قلب توده ها به بار نشسته است و اگر شاه نتوانست با صفت های خرابکار و تروریست انقلابیون را به بند بکشد اگر شاه نتوانست دانشگاه و دانشجو را انقلابی را از خدمت به توده ها باز دارد اینان چگونه خواهند توانست؟ دستان قوی راننده را می فشارم و سراپا شورا را جدا می شوم."

با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم

سابقه تاریخی

خیانت‌های حزب توده (۱)

مدت زیادی در این جهت گامی نپوشیدند. "حزب توده" حتی تا سال ۱۳۲۳ از گسترش سازمان‌های کارگری در مناطق نفت خیز جنوب که تحت اشغال انگلیس‌ها بود جلوگیری نمود. ادامه این "خط اصولی اپورتونیستی" به شرکت در کابینه قوام السلطنه این مزدور امپریالیسم نجات می‌بخشد. اسکندری و کوشا ورز در دولت شرکت داده میشوند و در اینجاست که "حزب توده" به توده‌ها به مجیزگویی و تملق قوام السلطنه این جاسوس دست پرورده انگلیس می‌پردازد و او را مبارز "ضد استعمار" و "بانی رشد مکرراسی" در ایران مینامد. "بنظر ما آقای قوام -

با اصطلاح حزب در کوران مبارزه آزموده شده و تجربه پیدا نکرده بودند. این مساله باعث شد که از همان ابتدا اپورتونیسم بشکل ریشه‌داری در این تشکیلات جای بگیرد. اما بحران اجتماعی حاکم و روی آوری توده‌های میلیونی به صحنه مبارزات طبقاتی در شرایط عدم وجود حزب واقعی طبقه کارگر باعث شد که این "حزب توده" شعارهای دمکراتیک خودتواند توده‌های وسیعی را جلب نماید و به همین علت نیز خیانت‌های "حزب توده" نقشه‌ی تاریخی یافت زیرا توده‌های بسیاری را بدنبال خود می‌کشید.

"حزب توده" در اولین سال‌های حرکت خود بنام انترناسیونالیسم به تبعیت کورکورانه از سیاست‌های شوروی پرداخت و بعلمت آنکه شوروی در جنگ جهانی با انگلستان متحد بود، "حزب توده" تضاد خلق ایران با امپریالیسم مسلط بر جامعه یعنی انگلیس را به فراموشی سپرد. "حزب توده" نه تنها برضد امپریالیسم انگلیس مبارزه نمی‌کرد بلکه تا حد امکان جلوی رشد مبارزات توده‌ها در این جهت را نیز سد مینمود. و در عوض سعی داشت از طریق سیاست مماشات با انگلیس "امتیازاتی" بدست آورد.

مثلاً حسان طبری یکی از رهبران "حزب توده" وقت آن زمان را برای خیانت به خلق اینگونه رهنمود می‌دهد، "عقیده" دسته‌ای که من شخصاً در آن دسته قرار دارم این است که دولت به فوریت برای امتیاز نفت شمال به شوروی و نفت جنوب به کمپانی‌های آمریکا، انگلیس و آردمذاکره شود... به همان ترتیب که ما برای انگلستان در ایران منافع قائم‌گیم و بر علیه آن صحبت نمی‌کنیم باید معترف باشیم که دولت شوروی هم از لحاظ امنیت خود در ایران منافعی جدی دارد" (مردم، ۱۹۰، آبان ماه سال ۱۳۲۲ تا کیه‌ها از ماست). دقت کنید احسان طبری (حزب توده) معتقد است انگلستان در ایران منافعی که ملاً بر حق و معقول دارد و به همین جهت نیز به دشمنان خلق رهنمود می‌دهد که هر چه سریعتر و "به فوریت" برای امتیاز نفت جنوب به کمپانی‌های آمریکا، انگلیس و آردمذاکره شود... (مثل اینکه "حزب توده" خیانت‌های شاه را کافی نمیدانسته است). "حزب توده" نه تنها بر علیه منافع انگلیس محبتی نکرده بلکه تا

"حزب توده" همواره ادعا کرده است که در تحلیلیها و حرکات خود دارای "سیاستی اصولی" و "خطی منسجم" است. اینروزها چنین نکته‌ای را بعنوان یکی از محاسن این "حزب توده" از دهان اکثریتی‌ها "نیز می‌شنویم. آنان به این طریق کمربند فریب هر چه بیشتر هواداران خود و ماده سازی هر چه سریعتر آنان جهت پیوند تصویب شده با "حزب توده" بسته‌اند. ما در اینجا سعی می‌کنیم بشکلی بسیار مختصر (چون در این مورد بسیار نوشته شده است) روشن سازیم که تنها "خط اصولی" "حزب توده" خط خیانت به خلق و طبقه کارگر است که همواره با جدیت تمام به پیش برده شده است و تنها "سیاست منسجم" این به اصطلاح "حزب طبقه کارگر" نیز سیاست "دنیال‌ه روی از صحن قدرت و حکام وقت می‌باشد. "حزب توده" نه تنها در تحلیلیها و سیاست‌های خود خط منسجم و اصولی را بدنبال نمی‌گنجد بلکه همواره در مسائل حساس چرخش‌های ۱۸۰ درجه می‌زند. ما همچنین در این نوشته به چند مورد از صدها مورد چرخش‌های فرصت طلبانه، اساسی و تعیین کننده "حزب توده" اشاره خواهیم کرد.

● حزب توده:

"... سرانجام کمیته مرکزی فرقی در موکرات مسالمت را در هر حال بر منافقت ترجیح داد و بخاطر حفظ صلح در داخل ایران که برای حفظ صلح جهان مفید است و بمنظور جلوگیری از جنگ و برادر کشی از قصد مقاومت صرف نظر نمود و ترک خاصه اعلام شد. با توجه به فواید کلی که از این اقدام ناشی میشود باید به جهت از آن هواداری کرد. زیرا یک عقب نشینی سودمند از یک حمله زیان بخش بیشتر در خور قبول است ..."

● حزب توده:

"بنظر ما آقای قوام السلطنه با کلیه زمامداران پس از شهریور فرقی اساسی دارد. چون و نخواسته است سیاست استعماری را تقویت کند بلکه با این سیاست شوم مبارزه کرده است. اینهاست آنچه قوام السلطنه را از اکثر رجال ایران ممتاز میکند. اینهاست آنچه آزادیخواهان را به سوی قوام السلطنه توجیه میدهد.

توضیح لازم اینکه تمام می‌توانیم که از آنها نقل قول آورده شده ارگانهای رسمی و وابسته به "حزب توده" اند. در غیر این صورت در همان محل توضیح داده شده است.

سنگ بنای "حزب توده" از ابتدا کج نهاد شد. این تشکیلات نه در کوران مبارزه و نه در یک پیرویه شدید جدال طبقاتی بلکه بر اثر ایجاد محیطی مستعد که عمدتاً بعلمت جنگ جهانی و خلق رضا خان بوجود آمده بود در سال ۱۳۲۰ پدید آمد. به همین علت عناصر تشکیل دهنده این

السلطنه با کلیه زمامداران پس از شهریور فرقی اساسی دارد. چون و نخواسته است سیاست استعماری را تقویت کند بلکه با این سیاست شوم مبارزه کرده است. اینهاست آنچه قوام السلطنه را از اکثر رجال ایران ممتاز میکند. اینهاست آنچه آزادیخواهان را به سوی قوام السلطنه توجیه میدهد. (رهبر شماره ۸۲، سال ۱۳۲۵). برای روشن تر شدن خیانت "حزب توده" در این مقطع بهتر است کمی شرایط آن زمان و علل روی کار آمدن قوام را بررسی کنیم.

او جگری مبارزات توده‌ها در مقطع سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ دولت مرکزی و امپریالیسم انگلیس را در مجموع به زیر سوال کشیده بود. در آذربایجان و کردستان خلق به پیروزیهای دست یافته بود و حکومت‌های مترقی محلی به سرکار آمده بودند. در خراسان افسران مبارز و "میهن پرست" ارتش دست به شورش زده بودند. درما زندران کارگران بقیه در صفحه ۱۶

بینه از صفحه ۱۵

مبارز مسلح شده و با ارتجاع بمقابله برخاسته بودند. در خوزستان و سایر مناطق نفت خیز کارگران و زحمتکشان به بیکاری دلیرانه در مقابل مرتجعین و امپریالیسم انگلیس دست نشانده گانش دست زده بودند. فقر و استعمار فئودالی و مصائب شدید ناشی از جنگ روز بروز توده های وسیع دهقانی را به مبارزه سوق میداد. در این شرایط هیئت حاکمه و امپریالیسم انگلیس از سوی جنبش و مبارزات وسیع خلق تحت فشار شدیدی قرار گرفته بودند. در تحت این فشار کابینه صدر در زمستان ۱۳۲۴ - سقوط کرد. در چنین شرایطی مبارزات یکپارچه و سراسری کارگران غیور و قهرمان صنعت نفت که در پی خود پشتیبانی وسیع کارگران سراسر ایران را در برداشت نقشی تعیین

● حزب توده:

"نصحه مکرسی در کشور ما جگرا امپریالیسم را کباب می کند. آقای نخست وزیر (قوام) امروز در محل مقدم چنین صف مبارزی قرار دارند"

کننده در سرنوشت مبارزات طبقه کارگر و خلقهای ایران و برضدا امپریالیسم انگلیس و سیستم حاکم داشت. در این شرایط حساس هیئت حاکمه با روی کار آوردن مزدور فریبکاری چون قوام السلطنه توانست با اتکا به مشی رفرمیستی (اصلاح طلبانه) و با رلمان تارستی "حزب توده" موجودیت خود و سلطه امپریالیسم را نجات بخشد روی کار آمدن قوام و حیلله های او را میتوان با روی کار آمدن و شعارهای فریبده "دولت آشتی ملی" شریف - اما می مقایسه نمود.

"حزب توده" قوام را دمکرات و ضدا امپریالیست نامید. نضحه مکرسی در کشور ما جگرا امپریالیسم را کباب می کند. آقای نخست وزیر (یعنی قوام) امروز در محل مقدم چنین صف مبارزی قرار دارند" (روزنامه رهبر - شهرپور ماه سال ۱۳۲۵) خلاصه اینکه قوام - السلطنه یعنی جاسوس امپریالیسم آنچنان رهبری مبارزات دمکراتیک را بعهده گرفته که جگرا امپریالیسم کباب شده است. حزب خائن به توده در عین حال مبارزات خلق و تیرد عظیم کارگران نفت را وجه الممالجعی برای کسب کرسی های پارلمان و راه یافتن به کابینه قوام نمود. در تیرماه سال ۱۳۲۵ جنبش عظیم کارگران نفت جنوب که مستقیماً امپریالیسم انگلیس را نشانده رفته بود، و خواستهای چون "عدم مداخله شرکت نفت انگلیسی در امور داخلی ایران" و "عزل مصاح فاطمی" استنادار مزدور خوزستان را در سیر لوجه خود داشت. توسط "حزب توده" به زاری با دولت قوام کشیده شد و رادمش

سابقه تاریخی حیاتهای حزب توده

وروستا دوتن از رهبران خیانتکار حزب با هیئتی برای خواباندن جنبش عازم جنوب شدند. از سوی دیگر کشتار خلق تبریز و قتل عام بقایای فرقه دمکرات آذربایجان توسط "حزب توده" یک "عقب نشینی سودمند" خوانده شد. "... سرانجام کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان توسط" دمکرات مساومت را در هر حال بر مناشقه ترجیح داد و بخاطر حفظ صلح در داخل ایران که برای حفظ صلح جهان مفید است و بمنظور جلوگیری از جنگ و برادرگی از قصد مقاومت صرف نظر نمود و ترک مواضع اعلام شد. با توجه به فواید کلی که از این اقدام ناشی میشود باید هر جهت از آن - هواداری کرد. زیرا یک عقب نشینی سودمند از یک حمله یا نبخش بیشتر در خور قبول است ... (مردم - شماره ۳ سال اول دوره ۵) بله حزب مساومت خوی توده همواره و در تمام طول تاریخ خود صلح بهر قیمت را تبلیغ کرده است. هر چند که این صلح به بهای سرکوب جنبش خلق، به بهای قتل عام مبارزین سربزوبه های بی اعتمادی توده ها به کمونیم پدید آید. حزب خائن به توده همواره صلح بین طبقات را تبلیغ کرده است. صلح کارگر با کارفرما، کشاورز با زمیندار و استعمار شونده با استعمارکننده.

● حزب توده:

"مصدق نقش دلال را بازی میکند. دکتر مصدق علناً به منافع ملت ما خیانت میورزد و برای برپانگه داشتن نفوذ های ارتجاعی های ارتجاعی و امپریالیستی به ملت ما از پشت ملت ما از پشت خنجر میزند." (مردم شماره ۲۷ سال ۱۳۳۰ در عین حال به تمام شرکات حزب توده و نشریات و وابسته به آن حتی روزنامه فکا هی چلنگرد رساله های ۲۸ الی او اخره ۳۰ مرآه شده بود).

"حزبی که جنگ ارتش مزدور شاه با مبارزین تبریز را جنگ "برادرگی" بنا مده مسلم است که مبارزه طبقاتی را نیز مبارزه دوبرادر با هم می بیند که مسلماً برای صلح جهانی! مخاطره آمیز است. اما با وجود تمامی این مماشات ها و چاپلوسی ها ارتجاع و امپریالیسم بر طبق خصلت همیشگی خود حتی به سازش ها و قرار و مدارهای خود نیز پایبندند تا ند نسودر سه ماه بعد "وزرای توده ای" را از کابینه بیرون انداخته و در مجلس با تازم رانیز روی "رهبران" منتظرالوکاله،

"حزب" بستند تنها پس از این "بی مهری" ها بود که "حزب توده" با یک پشتک ۱۸۰ درجه به انتقاد از قوام پرداخت. اما باز هم دست از مماشات با "بالاشها" برنداشت و حتی به استانبولی شاه خائن نیز رفت. "اتهامات دشمنان ما در اینکه ما مخالف رژیم سلطنتی مشروطه هستیم جدا مورد تکذیب ماست. اعلیحضرت شاه جوان ایران هرگونه امکانی را دارنده ما حمایت از آزادی و قانون اساسی مورد احترام کامل همه شیفتگان دمکراسی قرار گیرند ... (مردم ۱۵ ماه سال ۱۳۲۵) تنها توجیه ممکن برای چنین مجیزگویی و خیانتی اینست که توده ایها بگویند شاه جوان بوده و گول امپریالیستها را خورده است! و گرنه بهیچ شیوه دیگری نمیتوان

● حزب توده:

"اتهامات دشمنان ما در اینکه ما مخالف رژیم سلطنتی مشروطه هستیم جدا مورد تکذیب ماست. اعلیحضرت شاه جوان ایران هرگونه امکانی را دارند که با حمایت از آزادی و قانون اساسی مورد احترام کامل همه شیفتگان دمکراسی قرار گیرند ..."

از زیرا این خیانت شاه خالی کرد. اما "حزب توده" که این چنین راحت از "قوام السلطنه" و "شاه جوان" تعریف و تمجید میکند، مصدق را "مزدور و سرسپرده آمریکا" ارزیابی می نماید. "حزب توده" در سال ۱۳۲۵ با "حزب ایران" ائتلاف نموده بود و در تحلیلهای خود این حزب را نماینده بورژوازی ملی میدانت و بهر صورت بخوبی با نقش بورژوازی ملی در آن مقطع تاریخی آشنا بود اما با این وجود در مورد مصدق میگوید "مصدق نقش دلال را بازی میکند، دکتر مصدق علناً به منافع ملت ما خیانت میورزد و برای برپانگه داشتن نفوذ های ارتجاعی و امپریالیستی به ملت ما از پشت خنجر میزند" (مردم شماره ۲۷ سال ۱۳۳۰ در عین حال به تمام شرکات حزب توده و نشریات و وابسته به آن حتی روزنامه فکا هی چلنگرد رساله های ۲۸ الی او اخره ۳۰ مرآه شده بود). در آن مقطع امپریالیسم انگلیس برای ایران مسلط بود و امپریالیسم آمریکا تنها جم خود را برای بدست گیری منافع طبیعی، ثروت ها و بازارهای ایران آغاز کرده بود. مصدق با درک درست تضاد موجود بین این دونیروی جهانخواه، شعار ملی شدن نفت را طرح نمود و بدین طریق امپریالیسم آمریکا را که قصد خارج کردن امتیاز نفت از دست انگلیس را داشت به موضعی بی تفاوت و حتی متمایل به پشتیبانی سوق داد (البته تنها بدماشات های بقیه در صفحه ۲۲

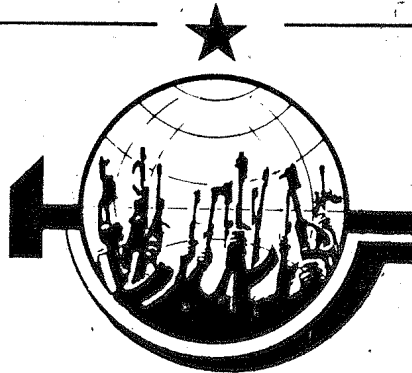
پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



امپریالیسم آمریکا آماج مبارزات خلقهای جهان

جنبش جهانی

کارگری - رها نبخش



امپریالیسم آمریکا که از طریق کمکهای نظامی، اقتصاد و ارسال مستشاران مزدور خود به تقویت رژیمهای سرکوبگر و ارتجاعی در سراسر جهان مشغول است، اخیراً در پی قرار دادی با دولت ارتجاعی ژانتین رسا، اعلام کرده که نیروهای مسلح و پلیس مخفی آمریکا برای مقابله با ما رگسزیم دز سطح جهانی دولت آرژانتین همکاری خواهد داشت. این اقدام و توطئه‌های مشابه آن که همه روزه بطور آشکار یا پنهان در سراسر جهان صورت میگیرد نشان دهنده وحشت مرکب را امپریالیستها از رشد فزاینده جنبش خلقهای تحت سلطه و کارگران انقلابی جهان می باشد که همچنان به مبارزات خود علیه سرمایه داری دولتهای حامی آن ادامه میدهند. اخیراً رژیم سرکوبشده ای آمریکا است که طی هفته گذشته علیه امپریالیسم آمریکا و پایگاههای داخلی آن در جهان صورت گرفته و ما از آنها با خبر شده ایم.

★ انقلابیون السالوادور در ادامه مبارزات خود طی روزهای ۱۴ تا ۱۸ فروردین برای چندمین بار در سال جاری به سفارت آمریکا در سن سالوادور مسلحانه حمل نمودند.

★ در قاره یک گروه انقلابی در دوران سفارتخانه‌های آمریکا و اسرائیل اقدام به بمب گذاری نمودند. ★ فعالیتهای مبارزین و کارگزاران، آمریکا ثبات مقيم این کشور را به وحشت انداخته و هفته پیش ۹ تن از اعضای سفارت آمریکا مجبور به فرار از این کشور شدند.

★ هفته گذشته بعنوان اعتراض به وجود پایگاههای آمریکا در یونان یک سازمان مخفی در آتن بنام چپ انقلابی مسئولیت بمب گذاری در زیر ۱۲ تومبیل پرستل آمریکا را در یک پایگاه هوایی آمریکا بعهده گرفت.

★ در بارسلون اسپانیا بدعوت سازمان نهایی چپ یک راهپیمایی بزرگت چندین هزار نفر صورت گرفت. مردم خواستار برچیده شدن پایگاههای آمریکا در این کشور میباشند.

★ در پی اعتراض دانشجویان و رهبران سیاسی اپوزیسیون به وجود پایگاههای نظامی آمریکا در این کشور ۴ بمب نیرومند در یک کمپ ۲۵ هزار نفری مزدوران آمریکا منفجر شد. همچنین در کتاخانه دولتی آمریکا در آلمان نیز یک بمب کار گذاشته شده بود که توسط پلیس فاشیستی

اعدام و تروورها سیاه علیه مخالفان حکومت به شدت برقرار است اما این همه نمی تواند در عزم راسخ خلقهای عراق و نیروهای انقلابی آن در سرنگونی رژیم فاشیستی بعث خللی وارد کند.

آلمان: مصادره انقلابی ساختمانهای سرمایه داران توسط آلونک نشینها

برلن غربی در هفته گذشته تیز شاهدها دامه مبارزات زاغه نشینان زحمتکش بود. گرچه تا کنون این مبارزات صرفاً در حد اعتراضات و تظاهرات در رابطه با کمبود مسکن صورت میگیرد و از سوی دولت سرمایه داری سرکوب میشود، هفته پیش خبر اقدام انقلابی زحمتکشان آلونک نشین در تسخیر بیش از صد ویسیت ساختمان از صدها هزار ساختمان سرمایه داران که با خون همسین زحمتکشان ساخته شده است، منتشر شد. در مقابل این اقدام انقلابی، ۸۰۰ تن از افراد پلیس فاشیست آلمان به شیوه همه پاسداران سرمایه داری در حالیکه مسلح به انواع جنگ افزار از قبیل ژ-۳، نارنجک انداز و گاز اشک آور و غیره بودند بکنه ساختمانهای مصادره شده از سوی زحمتکشان زاغه نشین و بی خانمان هجوم آوردند و تعدادی از آنها را به اشغال خویش در آوردند و عده ای از زحمتکشان را که مقاومت میکردند زخمی و دستگیر کردند. در اعلامیه های پلیس آلمان که بی شبا به اعلامیه های سپاه پاسداران و دادگاههای به اصطلاح انقلاب نیست آمده است که در این عملیات ۸۰ تن دستگیر شدند و مقادیری میله های آهنی و چماق و وسایل دیگر که در درگیریهای خیابانی مورد استفاده قرار میگیرد، از آنها بدست آمده است.

آلمان کشف و خنثی شد. این عملیات برای حکام آلمان و آمریکا بی وضعیت مشابیه را تداعی میکند که طی آن در سال ۷۰ در اعتراض به دخالت آمریکا در ویتنام مبارزان آلمانی به حملات چریکی علیه تاسیسات و منافع آمریکا تیشا دست زدند.

★ استانبول ۱/۱۸ در حملیه چریکهای انقلابی ترکیه به یک اتومبیل حامل ۴ مزدور آمریکا یکی از مزدوران منجرح شد. ★ اتحادیه کارگران کویت طی صد ورا اعلامیه ای اقدام تها و زکارانه آمریکا مبنی بر استقرار نیروهای نظامی و اکشن سریع در عمان و مانور نظامی اخیر آنها را محکوم کرد.

عراق

همچنان که جنگ میان دولتهای ایران و عراق مانع اقدام عملیات سرکوبگرانه علیه خلق کردای ایران توسط جمهوری اسلامی نشده است. در عراق نیز اقدامات سرکوبگرانه فاشیستی بعث علیه خلق زحمتکش و مبارز کرد همچنان بعد از شروع جنگ نیز ادامه دارد. رژیم عراق علیرغم امکانات مرکب را که در اختیار دارد و نمود آنرا در کشتار دست جمعی زحمتکشان شهرها و روستاهای ایران هر روزه شاهدیم قادر به سرکوب و مقاومت مسلحانه توده های خلق کرد نمی باشد. به همین جهت تنها در مناطقی که تحت اقتدار فاشیستی وی میباشند هر روزه به تشدید بیشتر اقدامات سرکوبگرانه علیه نیروهای انقلابی میپردازد. زندانها نیز رژیم بعث همچون زندانهای جمهوری اسلامی ایران است از آزادیخواهان و مبارزینی که برای رهایی از این رژیم و برقراری یک رژیم مردمی میکوشند. شکنجه گاهها و میدانهای

(کارگران مهاجر)

کشورهای سرمایه داری اروپای غربی جهت مقابله با بحران عمومی سرمایه داری و نجات کشور خودی از غرقاب بحرانی که در آن غلطیده اند به انواع شیوه ها متوسل میشوند که این با رتلاش مدبوحانه شان در توسل بینه شوینیسیم و احساسات ناسیونالیستی بقیه در صفحه ۱۸

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رها نبخش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

جنبش جهانی
پارتیزانی - رمانسیر



بقیه از صفحه ۱۷

کشور خویش (توده ها) که نیروی کارشان همواره به ارزانیترین قیمت توسط سرمایه داران امپریالیسم غارت می شود) و تنها جم علیه کارگران مهاجر با دستپاچی گروههای فاشیستی و نژادپرست تجلی پیدا کرده است .

دولت انگلیس در مواجعه با بحران ژرف اقتصادی و اضمحانات سرتاسری کاریگری ، همچون دیگر کشورهای اروپایی ، کارگران مهاجر را هدف اصلی حملات خویش قرار داده است .

پارلمان انگلیس بر اثر فشار راست افراطی ، چندی قبل ، بمنظور جلوگیری از گسترش تعداد خارجیان (آسیائی ها) که در انگلستان بعنوان نژاد رنگینا می ده میشوند ، لایحه ای را تصویب کرد که بر اساس آن ، آسیائی ها و آفریقایائی ها نژاد طبقه ۲ نا می ده شدند .

و بدین ترتیب با این قانون نژادپرستانه ضد مهاجرت شهروندان تازه تبعیت پذیرفته را از حقوق مساوی با افراد بومی محروم ساخت . علاوه بر این قوانین نظم حاکم بر بریتانیا به پلیس اجازت می دهد ، به طور ناگهانی به منازل و محفل کارگران مهاجر مورد ظن بدلیل پایا نگرفتن تاریخ اقامت بیورش برده و آنها را دستگیر نماید و حتی بدون محاکمه زندانی کنند . روزی نیست که دهها کارگریا به پوست برآشوب همین قانون به زندان نیافتند .

همراه با چنین اقدامات سرکوبگرانه "قانونی" ، دولتی بریتانیا نیز از کمک احزاب فاشیستی نیز در حمله علیه سیاهان و سرکوب فعالیتهای سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی مهاجرین و نیروهای چپ گرداریغ نمی ورزد .

دو گروه عمده فاشیستی در انگلیس "جبهه ملی" و "جنبش انگلیسی" می باشند . جبهه ملی ، پیش از شکست در انتخابات ۱۹۷۸ ، بیست هزار عضو داشت . و جنبش انگلیسی با سه هزار عضو ، با تشکیل گروههای کماندوئی مسلح ، آشکارا به عملیات فاشیستی علیه زحمتکشان مهاجر اقدام می نماید .

در هفته گذشته ، در رابطه با همین اقدامات فاشیستی دولت و گروههای فاشیستی آن ، بیش از ۱۰ هزار تن از خارجیان مقیم انگلیس علیه لوایح نژادپرستانه در انگلیس دست بسته

را هیماشی و تظاهرات زنده . تظاهرات کنندگان که اکثر آنها آفریقایائی ، پاکستانی و هندی بودند ، فریاد می زدند : " ما تا آخر خواهیم جنگید و با قانون رسمی تبعیض نژادی و لایحه رسمی ضد انسانیت مبارزه خواهیم کرد " .



دولت فرانسه نیز از این قاعده مستثنی نیست . با بحران اقتصادی که جا می افتد ، با بحران گرفته ، و با بیکاری بی سابقه و رشد روبه تزايد آن ، دولت فرانسه حرکت اخراج یا تهدید کارگران خارجی را که تعدادشان به بیش از چهار میلیون نفر میرسد ، تسریع کرده است . دولت فرانسه نیز یک سری قوانین نژادپرستانه را اخیرا تصویب کرده و با قوانین گذشته را مجددا به کار گرفته است که از جمله قانون "۱۹۳۹" است که جهت ممانعت از فعالیت سازمانهای انقلابی مهاجرین در آن تاریخ تصویب رسیده بود .

اخراج کارگران مهاجر ، از بحران اقتصادی ۱۹۷۴ ، همچنان سیر صعودی داشته و در حال حاضر به ۵۰۰۰ نفر رسیده است و اکنون نیز دولت فرانسه برای رویارویی با بحران بی سابقه ای که گریبانش را گرفته هر روز در برابر درخواست تجدید دوره اقامت کارگران ، موانع بی شماری می تراشد .

همراه با اعمال فشار از سوی دولت گروههای فاشیستی نیز تهاجم نژادپرستانه و فاشیستی را افزایش داده اند . از فاشیستی ترین این گروهها ، همانا "فدراسیون ملی و عملیات اروپائی" (F. A. N. E) است که مسئول انفجار روبمستب گذارینا علیه مهاجرین در اکتبر گذشته می باشد . " F. A. N. E " در ارتباط مستقیم با حزب فاشیستی قانونی جبهه ملی و حزب نیروهای نوین که خود وابسته به جناح راست پارلمانی است ، عمل می کند و ۲۵٪ اعضا آن را افرادی پس تشکیلات میدهند .

برخورد های نژادپرستانه علیه کارگران مهاجر تنها به دولتی ارتجاعی فرانسه و گروههای فاشیست حائمان ، محدود نمی شود . ریزینوئیتها حزب کمونیست فرانسه نیز تحت عنوان "حل بحران اقتصادی" و "از بین بردن بیکاری برای انسان فرانسوی" و در واقع بعنوان یک اقدام تبلیغاتی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری فرانسه ، احساسات ناسیونالیستی توده فرانسه را مخاطب قرار داده اند ، بطوریکه اخیرا راهپیمائی ۱۰۰۰۰ نفری در "ویتری" در اعتراض به افزایش مهاجرتن سازمان دادند . اما کارگران مهاجر از آگاه

که اکثر آنها از اتباع مراکش ، الجزایر ، تونس ، ترکیه و سنگال بودند ، علیه تمامی این دسایس و سرکوبها در تاریخ ۱۶/۱/۶۰ دست به تظاهرات گسترده ای زدند . کارگران در این راهپیمائی ، ضمن تقاضای همبستگی فرانسوی ها و مهاجرین ، علیه قوانین فاشیستی شعار میدادند .



در آلمان نیز تهاجمات فاشیستی علیه کارگران مهاجر که تعدادشان بیش از ۴ میلیون نفر است ، وجود دارد . نژادپرستان آلمان ، کارگران مهاجر را به "کشف کردن آلمان" متهم میکنند و از "نژادپرستان آلمان" سخن میگویند .

دولت آلمان قوانین نژادپرستانه ای را جهت ممانعت از فعالیت سازمانهای سیاسی مهاجرین چپ گرا به تصویب رسانده . بر اساس این قوانین ، مهاجرین از حقوق رای در انتخابات محرومند ، چرا که احزاب پارلمانی از آن وحشت دارند که کارگران مهاجر ، تکیه گاه نیروهای چپ گرا شوند .

در خارج از دستگاه دولتی نیز ، گروههای مسلح فاشیستی ، بر حملات خود به منازل مهاجرین افزوده اند . مثلادرها میورگ اخیرا گروه "رودر" (ROEDER) سه نفر را به قتل رسانده است .

حزب قانونی دموکراتیک ملی نازی (N. P. D.) ، یک کمیته "آلمان برای آلمانیها" تشکیل داده که در رابطه مستقیم با حزب و سازمان فاشیستی ترکیه (گرگهای خاکستری GREY WOLVES) عمل می کند . سازمان اخیر بمنظور تهدید و ترساندن کمیته چپ گرای ترکیه ، به حملات فاشیستی متعددی علیه مهاجرین ترک دست زده است .

در کشورهای دیگر اروپای غربی نیز سازمانهای مختلف فاشیستی سازمان یافته عمل میکنند .



در اسپانیا ، بیش از ۱۰۰ هزار سازمان فاشیستی وجود دارد که در رابطه با ارتش و گارد شهری قرار دارند .



در بلژیک هر چند که قوانین نژادپرستانه و ضد مهاجرت با شدت کمتری به اجرا در می آید ، بهر حال مسئله اخراج و اخیرا "پیشنهاد قوانین نژادپرستانه" نیز تهاجمات و فشارهای روبه تزايدی است که بر حقوق کارگران مهاجر اعمال میشود . احزاب فاشیستی در این کشور برگرایشات روبه فزونی ضد مهاجرین

بقیه در صفحه ۱۹

مبارز ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست



افزایش حقوق و مزایای خود به نسبت
کاهش ارزش لیر و کاهش قدرت خرید
خویش بودند به یک اعتبار سه
روزه دست زدند. بر اثر این اعتبار
کلیه پروازهای داخلی لغو و در
پروازهای خارجی نیز اختلال ایجاد
شد.

موزامبیک

روستاهای مرزی موزامبیک بخاطر
حمایت و پشتیبانی خلق موزامبیک
از نیروهای انقلابی آفریقای جنوبی
که علیه سلطه نژادپرستان زومزوران
امپریالیسم در این کشور مبارزه
میکند، همواره در معرض حملات
وحشیانه ارتش مزدور آفریقای
جنوبی قرار دارند. دولت موزامبیک
برای مقابله با چنین تحولات
جناپتکارانه ای به یک بسیج عمومی
از میان کارمندان، دانشجویان
کارگران و دهقانان و سایر حمتکشان
دست زد. افراد بسیج شده بعد از
گذراندن دوره های آموزشی نظامی
- کمک های اولیه، دفاع تنه ای
شامل نحوه شناسایی و ساختمان
سنگرهای ضد هوایی همراه با
سربازان ارتش درواجه های مختلف
آماده مقابله با هرگونه تهاجم
احتمالی میگردد.

کلمبیا

هما نظر که در شما ره پیش ذکر شد
دولت ارتجاعی کلمبیا بعنوان یک
حربه جدید علیه جنبش انقلابی در این
کشور، اقدام به باصلاح عفو چریکهای
انقلابی در حال نبرد نمود.
خبرگزاریهای امپریالیستی ضمن
درج خبر مذکور طوری وانمود کردند که
گویا چریکهای انقلابی کلمبیا بر سر
دوره ای پذیرش عفو حکومتی و تسلیم
سلاحهای خود به ارتش و پیوستن به
اعزاب رسمی و فرمیست، یا ادامه
مبارزه انقلابی، قرار دارند.
با توجه به ادامه مبارزه انقلابی
از سوی رزمندگان کلمبیا طی در روزهای
بعد، خبرگزاریهای مذکور ناچاراً
اعتراف کردند که هیچکدام از چهار
سازمان انقلابی کلمبیا (نیروهای
مسلح انقلابی کلمبیا - ارتش
آزادبخش ملی - ارتش آزادیبخش
خلق و جنبش ۱۹ آوریل) پیشنهاد
دولت کنونی را قبول نکرده و اعلام
داشته اند که مبارزه خود را تا تحقق
تحولات اجتماعی، سیاسی به نفع
خلق ادامه خواهند داد.

از سوی دیگر فرمانده نیروی زمینی
کلمبیا که یک ژنرال مزدور آمریکایی
است اعلام داشته که برای مقابله با
چریکها، ایجاد تغییرات سیاسی
اجتماعی و اقتصادی در جامعه ضروری
است و این اولین بار است که یک
مسئول دولتی در این کشور زبانه
جنبش اعترافی می نماید.

پذیرفتن شدیدترین شرایط استعمار
می باشد.

آفریقای جنوبی

بیش از ۷۰۰۰۰ کارگر معدنی در
"ژرمیستون" واقع در شرق
ژوهانسبورگ علیه افزایش اجاره
بها دست به تظاهرات زدند. تظاهرات
کنندگان دفا تراداری معدن را به
آتش کشیدند. همچنین تظاهرات
دیگری با هدف فوق از سوی معدنیان
شهرک "بیمبسیا" صورت گرفت.
دولت نژادپرست آفریقای جنوبی
اخیراً اجاره بها را ۲۵ درصد
در اختیار کارگران غیربومی قرار
داده است از ۱۸ دلار به ۲۵ دلار افزایش
داده است. پلیس نژادپرست برای
مقابله با تظاهرات فوق از گاز
اشک آرزویا طوم استفاده کرده و
تعدادی رازخمی دستگیر نموده
است.

هندوستان

۱/۱۸ - ده هزار تن از توتون کاران
هند برای افزایش قیمت محصولات
خود به تظاهرات خیابانی پرداختند.
دولت در مقابل خواستهای برحق
کشاورزان پلیس فاشیست خود را به
سرکوب تظاهرات گسیل داشت در این
جریان ۵ نفر کشته و ۴۰۰۰ تن زخمی دستگیر
شدند. توتون کاران اموال یک تاجر
بزرگ را در همان روز به آتش کشیدند.

فرانسه

۱/۱۹ - اعتصاب کارگران تعمیرکار
کشتی در شهر "برست" فرانسه وارد
چهارمین هفته خودش. بیش از هزار
کارگر اعتصابی خواستار افزایش
پست مزد و نیز تغییر سیستم ارتقای
شغلی هستند. اتحادیه کارگری
فرانسه از ۲۰۰۰ کارگر تعمیرکار کشتی
در شهرهای دیگر خواست که آنها نیز
دست از کار بکشند. دلیل اعتصاب
نادیده گرفته شدن خواست کارگران
مبنی بر مذاکره با کارفرمایان در
زمینه خواستهای فوق میباشد.

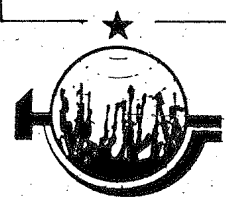


هیست هزار نفر از کارکنان شرکت
هوایماشی ایرفرانس با خواست
افزایش حقوق به یک اعتصاب ۲۴
ساعته اقدام نمودند. اعتصاب مذکور
موجب لغو پرواز رفت و برگشت از
پاریس به پایتخت های اروپائی شد.

ایتالیا

۶۰/۱/۱۹، گروهی از مکنیسین
های پرواز فرودگاه رم که خواستار

جنبش جهانی



بنیبه از صفحه ۱۸

خصوصاً مسئله اختلاف زبان انگلیس
می گذارند. جنبش ملی گرای
فلمیش (FLEMISH) ،
حملات مسلحانه را بر بخش فرانسه
زبان بلژیک آغاز کرده و جبهه جوانان
"نازی های جدید" به آژانسی که
روزنامه های کارگری خارجیان
را منتشر می ساخت مسلحانه پیور
برده است.

مبارزات ضد فاشیستی و ضد
نژادپرستی نیروهای چپ گرای بلژیک
هر روز وسعت بیشتری میابد. در اکتبر
گذشته حدود صد هزار نفر جهت محکوم
کردن نژادپرست و فاشیسم در بروکسل
دست به تظاهرات زدند.

تونس: تجارت نیروی کار

اخذ دولت تونس، گشایش
دفا ترکاریایی برای نیروی کار
ما زاد برای احتیاج خود را در چهار کشور
عربی منطقه خلیج فارس اعلام داشت.
سیاست وابستگی اقتصادی دولت
ارتجاعی تونس به امپریالیستها
مانع گسترش صنایع و صنعتی کردن
کشاورزی در این کشور شده و آنرا
همچنان بعنوان یکی از بازارهای
مصرف کالا های امپریالیستی نگاه
میدارد.

تا قبل از اخذ شدن بحران سرمایه
داری در اروپا، عمده نیروی کارگری
تونس به صورت کارگران مهاجر جذب
صنایع و خدمات کشورهای
امپریالیستی اروپا بویژه فرانسه
میشد. بعد از رشد بحران و افزایش
بیکاری در اروپا و بدنبال تشدید
قوانین ضد مهاجرت در این کشورها
بیکاری روز افزون دامنگیر
زحمتکشان تونس شده است. دولت
ارتجاعی تونس که نا توان از حل
مسائل زحمتکشان است برای جلوگیری
از گسترش اعتراضات و مبارزات
توده ای در رابطه با گرانی و بیکاری،
زحمتکشان کشور را تشویق به مهاجرت
به کشورهای خلیج فارس می نماید،
و با گشودن دفا ترکاریایی به عرصه
نیروی کار آنها را به سرمایه داران
مرتجع عرب می پردازد. کارکنان
مهاجر در کشورهای عربی خلیج فارس
تحت سخت ترین شرایط عمدتاً به
کارهای خدماتی و فعلکی می پردازند و
از ترس اخراج از کار مجبور به

انجمن اسلامی کارخانه...

سیاستهای بورژوازی این جناح از حاکمیت رابعه دارند. پرونده حرکت انجمنها، مقابله آنها با منافع، خواستها، مبارزات و تشکلهای انقلابی کارگران بعلاوه مجموعه ای از اقدامات ضدکارگری و ضددموکراتیک دیگر، آنها را در بین کارگران کاملاً اعتبار ساخته است. کارگران به طور عینی مبارزه نموده کارگران در برابر اقدامات ضدکارگری و ضددموکراتیک انجمنها، بخصوص از هنگامی که این ارگان بطور گسترده وارد عمل گشته، همواره یک وجه مبارزه طبقه کارگر را تشکیل میدهد. کارگران پیشرو و شوراهای انقلابی باید با سازماندهی مبارزات کارگران و ارتقاء آن هرچه بیشتر نموده کارگران را برابر جواختناق، سرکوب، تفتیش عقاید و... قرار داده و از این زاویه افشاء و طرد کامل انجمنهای اسلامی را

به پیش برند. همچنین باید توجه داشت که میتوان در مواردی انحلال انجمنهای اسلامی را در دستور قرار داد، لیکن سطح آگاهیه و مبارزه - توده کارگران، سطح تشکل و سازمانیابی در این مورد عاقلانه است. مبارزه بالفعل کارگران حرکت نمود.

باید در نظر داشت که انجمنهای اسلامی ارگانهای انتضایی و نه ارگانهای خودجوش و انتخابی میباشند. آنها بعنوان زاننده های حزب جمهوری تا هنگامیکه حزب در حاکمیت جایگاه و قدرتی داشته باشد، حضور خود را کم و بیش حفظ خواهند کرد. از این رو کارگران پیشرو باید علاوه بر افشای انجمن، زاننده حزب بودن آنها را نیز آشکار سازند. باید از طریق افشای مجموعه سیاستهای انجمنها نشان داد، بیوند آنها با سیاستهای حزب، نه تنها ماهیت ضدکارگری انجمن، بلکه ماهیت بورژوازی حزب و جمهوری را افشاء کرد. باید کارگران را

نه تنها در مقابل انجمن، بلکه در برابر حزب و سیاستهای ضدانقلابی قرار داد.

از طرف دیگر ضمن آنکه سیاست افشاء و طرد انجمنهای اسلامی باید هر چه بیشتر به کار گرفته شود، اما نباید این سیاست در خدمت مدیریت قرار گیرد. کارگران پیشرو باید نشان دادند وحدت بین انجمن اسلامی و مدیریت در مقابل بورژوازی و کارگران، توده کارگران را به ماهیت هر دو ارگان بورژوازی درون کارخانه آشنا و حرکت مستقل را تبلیغ نمایند. پیشبردا این سیاست علاوه بر بردن آگاهی سوسیال - دمکراتیک به میان کارگران آنها از طریق سازماندهی و تشکل توده کارگران در شوره های انقلابی و... امکان پذیر است. چرا که: "بورژوازی نه فقط بوسیله زور، بلکه همچنین به اتکای فئودال آگاهی، سازماندهی طبقاتی، پراکندگی و بی حقوقی توده ها خودش را در اس قدرت نگه میدارد." "لنین"

با کمکهای مالی خود

سازمان را یاری رسانید!

کمک دانش	امانت	۱۱۲۳	۱۶۲۳	۱۱۱۱	۱۱۰۰	۶۱۱	الف
آموزان پیشگام	۲۰۰	۱۰۱۲۳	۱۰۲۰۲	۶۰۲	۱۰۹۶	۱۰۹۶	۶۰۰۰
راهنمائی توحید	۷۷۷	۷۱۱۲	۲۱۶۸	۲۴۱۲	۲۱۱۱	۲۱۱۱	۶۰۰
فارسان برای	۱۰۲۲۴	۱۱۴۰	۲۵۳	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۶۲۴
نشریه پیشگام	۱۷-ک	۶۳۰	۵۰۰	۱۰۲۲۲	۱۵۰۹	۱۵۰۹	۶۰۰
رفیق محمد	۷۵-م	۸۱۶	۳۷۹۲	۵۱۲۸	۱۰۲۹۱	۱۰۲۹۱	۷۰۰
جمعی از کارگران	۴-م	۱۰۱۲	۲۷۲۴	۴۱۱	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۸۰۰
نخار	۵۰-ریال	۱۰۰۰	۵۵۵۵	۲۵۰۲	۵۶۸۴	۵۶۸۴	۱۰۱۰۰
بچه های نواب	ج ۳۲۷	۱۰۰۰	۲۲۲۲	۲۱۰۰	۲۳۲۰	۲۳۲۰	۱۰۲۵۵
آزاده ۶۲۵	رفیق جها نیچش	۳۱۶	۱۹۹۹	۵۵۰	۵۲۱۲	۵۲۱۲	۱۰۲۷
جمعی از سربازان	بنزین	۱۱۱۱	۱۱۲۶	۱۱۱۱	۸۸۰۰	۸۸۰۰	۴۱۱۰
هوادار سازمان	۵-م	۵۲۲۵	۴۰۳۳	۲۴۹۹	۵۰۰۵	۲۱۳۱	۱۰۲۲
در سنندج ۵۶۶۶	رفقای هوادار	۴۱۶	۱۵۰۰۰	۱۰۱۳۰	۲۰۹۹	۲۰۵۲۵	۱۰۲۲
دبیرستان	ها مبورگ	۱۰۱۱۱	۴۱۰۰	۲۱۳۰	۲۱۱۱	۲۱۱۱	۱۵۰۰
سپاس ۵۱۵۰	اولنام	۵۲۲	۵۱۷	۵۰۰	۲۱۱۱	۲۱۱۱	۱۵۰۰
گرمسار ۶۰۰۰	س ۵۰۴۰۲	۱۷۸۷	۵۱۵	۶۱۰۰	۲۱۲۴	۲۱۲۴	۱۰۲۲
رفیق پدر	س ۵۰۴۰۲	۹۱۹	۳۰۰۲	۳۱۱۳	۱۱۱۱	۱۱۱۱	۱۰۲۲
رفیق مادر	مبارکه اصفهان	۱۱۰۲	۱۰۶۱۱	۶۰۲	۲۱۲۳	۲۱۲۳	۱۰۲۲
کرج	عیدی مادر ۱۰۵۵	۱۱۳۴	۶۰۱	۲۷۰	۲۰۹۹	۲۰۹۹	۱۰۲۲
"مادر ۳۰۰"	دانش آموزان	۳۶۹	۵۰۱۸	۱۱۳۵	۴۸۸۸	۴۸۸۸	۱۰۲۲
رفقای آستانه	هوادار ۳۶۰۰	۲۵۰۷۵	۵۰۲۸۳	۱۱۲۱	۵۸۶۱	۲۹۵۴	۱۰۲۲
پرسنل انقلابی	عیدی رفقای آمل	۲۰۸۱	۱۱۱۱	۶۱۰	۶۰۵	۴۲۲۲	۱۰۲۲
رفیق مادر از آمل	ب ۲۰۰۲۰	۱۰۱۲۸	۲۱۲۳	۱۴۵۶	۵۴۱۳	۲۰۳	۱۰۲۲
نامه + ۵۰۰	ب ۲۴۰۵	۲۴۱	۱۱۱۱	۱۱۱۱	۱۰۵۵۵	۱۵۰۰	۱۰۲۲
رفیق مادر از آمل	ب ۱۰۱۲۱	۶۳۹	۱۸۵۷	۲۳۰۰۰	۲۶۶۶	۱۰۰۰	۱۰۲۲
نامه + ۲۰۰	ب ۵۴۰۸	۷۱۳۱	۶۰۰	۲۳۰۰	۶۱۱	۱۱۲۳	۱۰۲۲
رفیق دکه دار از	ح ۱۴۶۵۱	۲۳۹	۱۶۵۰	۲۱۳۵	۱۱۰۰	۱۱۹۱۱	۱۰۲۲
آمل ۳۰۰	ح ۱۰۸۱	۳۳۸	۱۲۴۵	۱۰۰۰	۵۲۵۹	۲۰۲۷	۱۰۲۲
کشا ورزا نسیر کلا	ح ۱۱۷۱	۴۹۵	۵۵۶	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۵۸۱۲	۱۰۲۲
۱۵۸۵۰	ح ۱۲۰۴	۶۳۶	۵۷۰۰	۲۱۲۳	۳۰۰۰	۵۲۳۴	۱۰۲۲
رفیق کارگراز	ز ۱۲۰۴	۲۱۳۱	۳۱۱	۱۶۴۰۱	۱۷۱۸	۱۷۱۸	۱۰۲۲
نهاوند	ز ۱۱۳۲	۶۳۴	۱۰۵۵	۶۰۵	۱۵۵۰	۱۵۵۰	۱۰۲۲
۱۰۰۰۰	س ۱۱۵۷	۱۱۴۰	۵۰۶۶	۱۱۰۴	۱۵۲۲	۷۱۰	۱۰۲۲
رفیق کارگراز	س ۳۰۳۳	۶۳۴	۱۱۲۳	۱۴۹۹	۹۳۴	۱۰۸۲۱	۱۰۲۲
سری	ف ۱۰۲۷	۱۱۴۰	۴۰۰۴	۱۹۹۹	۵۵۱۱	۱۰۰۰	۱۰۲۲
شاخره هدایتی ۵۰۰	گ ۵۰۰۰	۶۳۰	۱۵۰۴	۱۱۰۰	۲۰۵۰	۲۰۶۶	۱۰۲۲
رفیق آمل	م ۴۲۲۲	۶۳۰	۲۳۲۳	۳۵۵۵	۱۱۰۳	۱۳۱۳	۱۰۲۲
پرزو قیایی	م ۱۶۴۱	۶۳۰	۷۴۸	۱۸۹۶	۱۱۳۳	۵۰۰۰	۱۰۲۲
۱۵۰	مادر ۳۰۰	۶۰۰	۵۱۱	۶۱۴	۶۰۰	۵۲۹۶	۱۰۲۲
	رفقای شورجه	۱۰۰	۱۹۹۹	۵۳۰۱۰	۱۰۰۲۲۲	۲۷۷۷	۱۰۲۲
	(کارگران کوره)	۱۰۰۰۴	۱۰۰۰	۱۰۳۴	۲۵۲۵	۱۵۰۰۰	۱۰۲۲
	پرزو قیایی	۴۰۰	۱۰۰۰	۵۱۵	۸۲۴۴	۱۰۲۰۲	۱۰۲۲
	ریال	۲۲۲۲	۱۰۰۰	۶۰۲۲	۲۰۰۰	۸۱۳	۱۰۲۲

سابقه تاریخی خیانتهای حزب توده

بقیه از صفحه ۱۶

مصدق با آمریکا را فراموش کرد اما در کلیت، حرکت او با درک درست انجام یافت. "حزب توده" در این شرایط مصدق را آمریکا بی مینا میداند. اخبار و اطلاعات که در ایران و خارج منتشر می‌گردد نشان میدهد که در وضع فعلی دکتر مصدق در راه یک زدوبند تنگن در باره نفت و مسائل مهم دیکر سیاسی کشور با امپریالیست های آمریکا و انگلیسی است (نویسنده شماره ۵۰۲ سال ۱۳۲۱) و در عین حال شعار "ملی شدن نفت" را که از سوی مصدق طرح شده بود شعار طرح شده از سوی آمریکا قلمداد میکرد (مردم - ۵ تیر ماه سال ۱۳۳۰) و آنگاه این "حزب طراز نوین طبقه کارگر" درست در شرایطی که بورژوازی شعار "ملی شدن نفت" را میداد به طرح شعار عقب مانده ای چون "ملی شدن نفت جنوب" پرداخت. تمامی این اشکال برخورد که تضعیف شدید مصدق را در پی داشت تا واسطه سال ۱۳۳۱ ادامه یافت، و فقط پس از قیام ۲۰ تیر بود که "حزب توده" پشتبک دیگری زده و به حمایت از مصدق پرداخت. ولی این بار نیز پس از مدتی کوتاه به دنیا لهر روی بی چون و چرا از "خط مصدق" در غلطید. حزب توده ایی با این بار ایی "سیاست صولی" دنیا لهر روی از بورژوازی را آنچنان ادامه داد تا به خیانت تاریخی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ منجر گردید. در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ "حزب توده" با

و جود بیش از یکمدهزار تن عضو حزب و سازمان جوانان (و این عده بجز تعداد بی شمار هواداران بود) و با وجود سازمان نظامی قدرتمند خود چون میخواست بدون اجازه مصدق حرکتی نکنند ملاحظه کردی انجام ندادند! "حزب توده" بعدها برای آنکه بخیال خود تمامی تقصیرات را بگردن دکتر مصدق ببیند از اعلام کرده چندین بار با دکتر مصدق تماس گرفته شد و اما دگی خود را برای مقابله با کودتا اعلام کردیم ما او گفت "همه چیز تحت کنترل است" (حزب توده ایران و دکتر محمد مصدق) دقت کنید که "حزب طراز نوین طبقه کارگر" از کودتا امپریالیستی آگاه میشود، قدرت و اما دگی مقابله با آن را در دو آنگاه منتظر دستور حمله از سوی بورژوازی می‌ماند. برای آنکه عمق این خیانت تاریخی "حزب توده" و رهبران خائن آن روشن شود بهتر است بدانیم که سازمان نظامی "حزب" که بسیار رگسترده بود درست تا یکسال بعد یعنی ۱۶ مرداد ماه سال ۱۳۳۳ با برجا بود و کوچکترین ضربه ای نخورده بود و در عین حال در زمان کودتا کار دشمنی زاهدی (رهبر کودتا) و همچنین رئیس کار در محافظ ساختمان را دیو (که تسخیر آن برای کودتا چنان نقش تعیین کننده را بازی کرد) جزء اعضای سازمان نظامی "حزب توده" بودند و همچنین بهتر است بدانیم که مسئول سازمان نظامی در آن زمان نورالدین کیا نوری بوده است.

بهر صورت رهبران خائن حزب تا آنجا که توانستند گریختند و توده های عظیم حزبی را سرگردان و درمانده رها کردند. چه بسیار از توده های حزبی و اعضای پائینی "حزب توده" که ما دقانه رزمیدند و تاپای شهادت نیز به خلق وفادار ماندند. یادشان گرامی باد.

(تداوم خیانت های "حزب توده" پس از کودتای ۲۸ مرداد در ادامه شماره های آینده بررسی خواهد کرد)

روز اول اردیبهشت

بقیه از صفحه ۲

یعنی بازگشایی دانشگاهها با نظام شورائی و تصمیم آزادی فعالیت سیاسی و صنفی را به شکل ممکن به میان توده ها برده و تبلیغ و ترویج کنید. لبرالها و ویژه رئیس جمهور بنی صدر در شرایط کنونی برای جلب توده ها و دانشجویی کوشش خویش را در سرکوب سراسری اول اردیبهشت ۵۹ آنها نیاخته و صرفا حزب جمهوری اسلامی را مسئول این جنایات قلمداد کنند. آنها علیرغم آنکه با طنا و ما هیئت دشمن جنبش دموکراتیک دانشجویی هستند اما در شرایط سیاسی کنونی

بسر خود تشخیص داده و ترجیح میدهند که از جنبش دانشجویی بمانند و نیل به قدرت استفا ده کنند. وظیفه همه دانشجویان انقلابی است که لبرالها نسبت به انقلاب را افشاء کرده و صفوف خود را از جنبه آنان متمایز کنند. تنها در چنین صورتی است که میتوان متحدانه و حقیقتا قاطع و استوار جنبش دانشجویی را در مسیر انقلاب به پیش راند.

مرگبرای میبایسیم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و بیگانه داخلی را پیروز با انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای میهن گسترده با دمبارزه دانشجویان در راه بازگشایی دانشگاهها با نظام شورائی

رفقا و هواداران سازمان

روز اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران نزدیک می‌شود. وظیفه همه نیروهای انقلابی و فداکار به طبقه کارگر است که خود را برای برگزاری هر چه با شکوه تر این روز را آماده کنند. بدین منظور نخستین وظیفه ما اینست که شعارها، تراکتها و اعلامیه های مربوط با این روز را وسیعاً به درون طبقه کارگر ببریم. از همه هواداران سازمان میخواهیم که در هر کجا هستی دو با هر امکانش که در اختیار دارید، در تکثیر و توزیع تراکتها و اعلامیه های سازمان بکوشید و شعارهای سازمان را بر در و دیوار شهرها و روستاها بنویسید. شعار محوری سازمان برای اول ماه مه این شعار است:

"برای گسترش مبارزه ضد امپریالیستی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق قوا ایجاد شوزاهای انقلابی تبدیل کنیم." اما علاوه بر این شعارهای زیر را نیز بر روی دیوارها بنویسید.

پیروز با شید.

کارگران سراسر جهان متحد شوید.

کارگران، کارگران اتحاد علیه سرمایه دار

بیکاری، گرانی، خشن دشمن زحمتکشان

کار، کار، آزادی، آزادی شعار زحمتکشان

گوشت گران، بُشن گران، بیکاری و حسرتان

بیا بیا زحمتکشان، بیا بیا زحمتکشان

از جنگ ارتجاعی - زحمتکشان بیزارند

دومیلیون آواره، نان، مسکن ندارند

شعار زحمتکشان ادامه انقلاب

سیاست حکومت توقف انقلاب

بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان

تا مین باید گردد

سازشکاران بدانند، کارگران بیدارند

نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا

۴۰ ساعت کار و ۲ روز تعطیل در هفته

حق مسلم کارگران است

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

شاعر رهبر فدائی

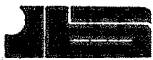
استقلال، کار، مسکن، آزادی

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز

همبستگی جهانی کارگران گرامی باد

دانشگاهها، این سنگر آزادی، با نظام شورائی گشوده بیدگرد

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست



آیت الله خمینی

بعضی از اینها آن رفیق خودشان را شکنجه میکنند برای اینکه بگویند ما دادیم!!!

آیت الله خمینی در سخنان خود در روز هشتبه ۲۰ فروردین ماه در حضور رئیس دادگداهای انقلاب اسلامی مرکز و تنی چند از مسئولین این دادگداها به نکات مهمی اشاره نمود. آیت الله خمینی در این سخنان در عین تأکید کامل بر تعالی اعمال و حرکات و قضاات شرعیه دادگداهای انقلاب اسلامی، اعمال هرگونه شکنجه و ضرب و جرح توسط نهاد های مملکتی را نیز مورد تأکید کامل قرار داد. آیت الله خمینی در این سخنان مریحاً گفت که گروهها و یا زماهایی مترقی خودشان را شکنجه و آزار و ستم اعطاء و جهور داران خویش می پردازند تا رژیم جمهوری اسلامی را پندارند کنند!!!

سالها اعمال شکنجه آنچنان رسوا گشته و از برده بیرون افتاده است که دیگر هیچ مقام و هیچ دستگاهی قادر به انکار وجود آن نیست. همه ما شاهدیم چنانچه مسخره گروه رسیدگی به تا بیعت کجنگه ای بودیم و دیدیم که چگونه حاکمیتی که خود می نامد که دیکر هم برای زبری ساله شکنجه کرده و شکنجید داد. دیدیم که حتی همین گروه هم از وحشت سواسی و او حکمرانی خشم توده ها اعلام کرده است. نتایج کار خود را فقط به "عرض امام" میرساند و وظیفه های در قبال اسلام آن به خود داده ندارد. در نهایت هم دیدیم که چگونه انحلال گروه رسیدگی به "تا بیعت کجنگه" را به تا بیعت مسخره چون "وقت داشتن و اشکال زیاد" اعلامی گروه اعلام شد. دیدیم که چگونه آقای موسوی اردبیلی در عین اعلام انحلال این گروه گفت که اگر هم ساله ای وجود داشته است با تشکیل گروه صنعتی بررسی اختلافات متنی است!!! بله آقای موسوی اردبیلی به خوبی در این حملات خود روین میکند که اعلام این بداند نیز ساله شکنجه و شکنجه سوده مطرح نبوده است بلکه طرح این قضیه از سوی مدبران فقط و فقط "خرده حسابی" بین دو جناح حاکمیت بوده که آنهم با تشکیل گروه بررسی اختلافات صورت "اروئی حل"

می شود. بهر حال شما می این جریا ناتیپن از پیش روشن ساخت که ساله اعمال شکنجه آنچنان واضح و مستدل است و آنقدر مدرک و سند در این مورد وجود دارد که انکار آن بهیچ صورت ممکن نیست و به همین دلیل نیز شما می سردمداران رژیم حتی آیت الله خمینی مجبورند بر وجود شکنجه اعتراف نمایند. و فقط با اعلام رسمی میکنند تا بصورتی این عمل را از سر خود باز کنند.

آیت الله خمینی این عمل را به خود نیروهای سیاسی نسبت میدهد، او به راحتی میگوید "تعطی از اینها آن رفیق خودشان را سبب میزنند و شکنجه میکنند برای اینکه بگویند ما دادیم" آیت الله خمینی در نظر داشت که این نقطه نظر جدیدی نیست این سخنان با راه و بارها به اشکال مختلف توسط سردمداران حزب جمهوری اسلامی به خورد مردم داده شده است. سران مرتجع حزب بارها ادعا کرده اند که نیروهای انقلابی خود را میکشند! خنجر میزنند، زخمی میکنند و حتی با چماق به یکدیگر حمله میکنند تا آنرا به گردن "شهادت" بگذارند. "چون سیه ای با سدا را ن و کمینته ها بپندارند و یا "حزب الله" را بدنام کنند! و یا رسای زندان بارها ادعا کرده اند که تنها ما بهترین و عالیترین شرایط را برای زندانیان فراهم کرده ایم و نه تنها کوچکترین شکنجه و ضرب و جرحی در کار نیست بلکه زندانیان سیاسی سدا را ن و محافظین را شکنجه میدهند (انسان سی احتیاط را به دجا ما قدرانی می افند که کاملاً وقت احت علیها قدرانی در استگاه منحصن شده بودند).

همواره رژیم های صمد مدعی پایه های قدرت خود را بر روی توهم و نا آگاهی توده ها استوار میکنند. اما آیت الله خمینی و سران حزب جمهوری اسلامی پیش از جد بروی توهم توده ها حساب کرده اند. توده های خلقی، کارگران و زحمتکشان که در زندگی

روز مره خود با رها و بارها تا هدر سرب و وحشیانه و فشان و ستم نهادها و ارگان های سرکوب رژیمند. کارگران ای که در هر حرکت اعتراضی، اعتصابیه و تجمن و... با سرکوب مستقیم کمینته کارخانه و یا سیه یا سدا را ن مواجه می شوند. کارگران ای که حتی انتخابات شورای خود را با بدبیر سر سبز سیه انجام دهند. دهقانان که به مجرد کوچکترین حرکتی در جهت احقاق حقوق خود، در جهت بدست گیری زمین های مالکین و فئودالها، در جهت بدست آوردن آب و سدیرو سوا سیل لازم توسط سیه و ژاندارمری که سیه... این از زمینداران نرمی میزنند سرکوب می شوند. دکه داران، که بارها و بارها شما می هستی شان توسط سرکوبگران رژیم ویران شده و سیه غارت رفته، دانش آموزان، که هر روزه فشار سبز سیه و کمینته را بر گردن خود لمس میکنند زحمتکشان ای که خانه ها و یا نه بهانه خارج از محدوده و یا "نقصی بودن" زمین توسط کمینته و سیه بر سر خود و فرزندان شان ویران شده و همه همه بخوبی به ما هیت سرکوبگر و ارگانهای مصلحتی برده است و توسط افکار پهای نیروهای انقلابی و متشاده، دهها عکس و ستم و سدا از شکنجه های وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی بخوبی میداند چگونه رژیم در پی شکار انقلابیون است، چگونه ترور، شکنجه، خانه های امن، ضرب و ستم، آزار و اذیت و جنا و ز در جهت سرکوب خلق و نیروهای مترقی بکار گرفته شده است.

خلق چشمان خود را می گناید. در اثر تجربیات عملی خویش بیش از پیش نیروهای انقلابی را در کنار و سوا و خود رژیم جمهوری اسلامی را در مقابل خویش می یابند. سدا شرح توهمات خود را می پردازد و به همین ترتیب سید کسب دروغهای و فریبها و ترسنگهای دیگر رژیم رنگ می یابد زوده مدخودند سید می شود. هر دروغ، هر فریب و هر ترسنگ چهره کبره و مدخلقی رژیم را بیشتر نمایان می سازد.

تیرباران در ملاء عام، خشم مردم را برانگیخت

دو شهید دهم فروردین ماه جاری میدان غارتگران دجا جو زعب و وحشت و نا امنی و اضطراب شد. مردم این محل که با خود را با اعدام پنج نفر در ملاء عام فرود کردند، این خبر چنانکه ما موران جمهوری اسلامی را هدیه پس تیرباران پنج نفر را شدت متفکر و متاثر ساخت.

آن روزها گمان در منطقه میدان غارتگران خردی بخش شد منشی بر اینکه میخواستند سوا عمداً اعدام کنند مردم سدا این حریرا و ورنگرند، چون چند ما پیش سرجین شایع ای یخندان ما حقیقت ندانست، آنروز خود با سدا فراز از مردم آن منطقه در محصل جمع شدند که یک ما شین محصلین زندانیان این سدا و پنج نفر را بیاید کرد. آنها را کنار دیوار در بیست و شان فاطمه اصنی ردیف بگه داشتند، ما موری حکم آنها را چنین خواند: "این افراد بنا می آید... بحرم جرد بیرون سوا مدخر میسند فی الارض شناخته شده و سیه شکنجه دادگدا انقلاب اسلامی محکوم به سیه اعدام میباشند." بعد از چند تا سیه هم سدا یکبار تیربار شدند و حکم سوله اجرا شد. با اجرا و تیرباران این گمان جو زعب و وحشت خاکش، مردم شدیدا اعتراض داشتند، این عمل وحشیانه را محکوم میکردند. جمعیت زیر دایم جمع شده بود و در یک کسبه هم برای مسخری کردن آنها دست بگذاشتند و تیربار سدا زی هوا شدند.

مردمی که سدا این صحنه ها بودند میگفتند سیرباران اینها، آنهم با این شکل اطلار نیست، دولت با بدبیری اینها کار شهید گدندان از قضاوت بر دارند، سیرباران چاره کار نیست، یکی میگفت اگر هم میخواستند اینها را

اعتصاب و اعتراض زندانیان سیاسی زندان بندرعباس

اعتصاب و اعتراض زندانیان سیاسی زندان بندرعباس ۲۴ بقیه از صفحه ۲۴

زندانیان سیاسی زندان بندرعباس گذشته بنوعی با اعتراض و سب و جرح و توهین و بیکی زهم بندهای خود دست به اعتصاب غذا و ملاقات میزنند و اعلام میکنند که تا رسیدن به خواسته های خود با اعتصاب ادامه میدهند. در این روزها یکی از زندانیان از تاساق ملاقات خارج می شود و در سوا سیس توهین و ضرب و ستم قرار میگیرند و راه سلول انفرادی منتقل میکنند و در نتیجه فتا روا اعتراض با سیر زندانیان بنا چاره را و راه بند با سیر میگردانند. شرایطی که زندانیان سوا سیس خواست خود برای آنها با اعتصاب اعلام میکنند شامل:

انقلابی دیگری در بندرعباس به شهادت رسید

سدا را یک هوادار محاهدین را وسط غیا بنایا شکیک کلوله شهید کردند.

درگیری های حزب اللهی ها و سدا را ن با نیروهای مترقی مردم آگاه و مبارز میباشند. در اکثر شهرها و بخش ها جریان دارد. این درگیری ها و زد و خورد ها تنها از سفا سدا و سوا سیس بحال، چند شهید بگذاشته است، در راسر، در کتالم، در شیراز، در قزوین و در بندرعباس سدا را ن به تیرباران سیاسی مترقی پورش میبرد و ضلعی امت بدون اینکه به بند بند و بیستم مشاوتی داشته باشند، ما سدا را میقتارند و یک انقلابی را بخون میکنند.

بیست و هشتم سفا سدا ما گدشته، سیه دختر هوادار ما زمان محاهدین خلق ایران در بندرعباس با مشمول فرود - تشریه محاهدین سفا سدا ما مورد محمله سدا را ن قرار میگیرند، یکی از آنها خود را نجات داده و فرار میکند، یکی را دستگیر میکنند و ستم قویتر میزند، یکی را دست به مقام و فتا گریزه میبود.

تیرباران در ملاء عام، خشم مردم را برانگیخت

اعتصاب و اعتراض زندانیان سیاسی زندان بندرعباس ۲۴ بقیه از صفحه ۲۴

زندانیان سیاسی زندان بندرعباس گذشته بنوعی با اعتراض و سب و جرح و توهین و بیکی زهم بندهای خود دست به اعتصاب غذا و ملاقات میزنند و اعلام میکنند که تا رسیدن به خواسته های خود با اعتصاب ادامه میدهند. در این روزها یکی از زندانیان از تاساق ملاقات خارج می شود و در سوا سیس توهین و ضرب و ستم قرار میگیرند و راه سلول انفرادی منتقل میکنند و در نتیجه فتا روا اعتراض با سیر زندانیان بنا چاره را و راه بند با سیر میگردانند. شرایطی که زندانیان سوا سیس خواست خود برای آنها با اعتصاب اعلام میکنند شامل:

- ۱ - تا شین جانی زندانیان سیاسی
- ۲ - مجازات و محکوم کردن ما ملین ضرب و ستم و فحاشی به زندانیان سیاسی
- ۳ - اعتصاب غذا و ملاقات و هوا خوری بین زندانیان
- ۴ - دادن ملاقات حضوری ما سوا سیس
- ۵ - محمل ثابت برای محکومین
- ۶ - سدا شتی کردن محیط زندان و جلوگیری از میلان زندانیان به سوا سیس
- ۷ - مجازات و محکوم کردن ما ملین ضرب و ستم و فحاشی به زندانیان سیاسی
- ۸ - دادن ملاقات حضوری ما سوا سیس

را هیما شتی آنرا خاک میسارند. روز هفتم شدت ستم را هیما شتی بزرگی در بندرعباس ترتیب یافت. در این روزها سدا را ن طبق سوا سیس به شرکت گدندان در دروا هیما شتی جمله گردند و با شلیک تیرها و حملات با گارنگ آروحا ستمند جمعیت را متفرق کردند، یک مینی بوس حامل شرکت گدنگان را نیز توقیف و سوا سیس آن را دستگیر کردند. این حرکات موج تازه ای از خشم و ستم تیر توده ها را بر سر انگیزه است.

پتک است خون من درد دست کارگر ★ داس است خون من درد دست بزرگر

۵۸/۰۱/۰۶	عطا خانجانی	۵۴/۰۱/۳۰	عزیز سردی	۵۰/۰۱/۰۲	سید کریمی (آرمان خلق)
۵۸/۰۱/ -	علی محمدخوجه	۵۴/۰۱/۳۰	عباس سورکی	۵۰/۰۱/۲۶	جواد سلحی
۵۸/۰۱/۰۶	اراز محمددردی پور	۵۴/۰۱/۳۰	حسن ضیاء ظریفی	۵۴/۰۱/۱۴	حبیب مومنی
۵۸/۰۱/ -	آنه بردی سرافراز	۵۴/۰۱/۳۰	مشفوع (سعید) کلانتری	۵۴/۰۱/۲۴	خشا یا رسنجری
۵۸/۰۱/ -	قربان (آرقا) شفیعی	۵۵/۰۱/۱۸	حمیداکرامی	۵۴/۰۱/۲۴	منصور فرشیدی
۵۸/۰۱/ -	نور محمدشفیعی	۵۵/۰۱/۲۹	محمد رضا کامیابی	۵۴/۰۱/۲۷	محمد معصوم خانی
۵۸/۰۱/ -	فیروز شگری	۵۶/۰۱/۱۴	علی میرابیون	۵۴/۰۱/۳۰	بیژن جزنی
۵۸/۰۱/۰۶	عبدالله صوفی زاده	۵۶/۰۱/۰۹	یدالله سلسبیلی	۵۴/۰۱/۳۰	احمد جلیل افشار
۵۸/۰۱/ -	فیروز صدیقی	۵۶/۱۰/۱۰	پریدخت (غزال) آیتی	۵۴/۰۱/۳۰	محمد چوپا نژاده
۵۸/۰۱/۰۶	غفور عمادی	۵۶/۰۱/۱۰	سیمین پنجه شاهی		
۵۸/۰۱/ -	محمد رسول عزیزیان	۵۶/۰۱/۱۰	عباس هوشمند		
۵۸/۰۱/۰۶	بردی محمدکوسه غزالی	۵۸/۰۱/۰۶	جلیل اراضی		
۵۸/۰۱/ -	محمد ابراهیم مفتاح	۵۸/۰۱/۰۶	بهرام آقانا بای		
۵۸/۱۰/۱۷	ناصرتوفیقیان	۵۸/۰۱/۱۰	محمد آراز (بهروز) بهنام		
۵۹/۰۱/ -	پروین افروزه	۵۸/۰۱/ -	قربانعلی پورنوروز		
		۵۸/۰۱/ -	سعید جوان مولائی		

گرامی باد خاطره

شهدای فروردین ماه

۵۰/۰۱/۰۲	سید کریمی (آرمان خلق)
۵۰/۰۱/۲۶	جواد سلحی
۵۴/۰۱/۱۴	حبیب مومنی
۵۴/۰۱/۲۴	خشا یا رسنجری
۵۴/۰۱/۲۴	منصور فرشیدی
۵۴/۰۱/۲۷	محمد معصوم خانی
۵۴/۰۱/۳۰	بیژن جزنی
۵۴/۰۱/۳۰	احمد جلیل افشار
۵۴/۰۱/۳۰	محمد چوپا نژاده

۱۲۰۰ میلیارد ریال
سود تجار در سال ۱۳۵۹

و حزب حقایق دیگری برای توده ها افشا کرده است. آنها اکنون بی می برنده سودی که در این دوساله در بخش تجارت نصیب تجار شده است در تار و پود ریخ ایران بی نظیر بوده و تجار محترم! وابسته به حزب جمهوری اسلامی ز قبل خون صدها شهید و معلول و بیبها بیبکاری، آوارگی و خانه خرابی میلیونها زحمتکش هموطن ما، تضییقات گذشته را جبران کرده و ببقول معروف یک شبه راه صد ساله پیموده اند. بقیه در صفحه ۲۱

اگر تاکنون حزب جمهوری اسلامی و پیگانه عمده آن تجار مکتبی تلاش می کردند تحت شوشش دفاع از توده های زحمتکش و محروم و شعرا را فریب نده با صلاحدید امپریالیستی، ما هیئت فریبکارانه، ارتجاعی و ضد خلقی خود را پنهان ندارند، اما امروز توده های میهن ما بیش از پیش پی به ما هیئت واقعی بین حزب برده اند و مدام حقایق بیشتری برای آنها روشن می گردد. در این میان تشدید تظاهرات و مبارزات آنها

اعتصاب غذا و
اعتراض زندانیان
سیاسی

شرایط سخت و دشوار زندانیان و فشارهایی که از سوی رژیم جمهوری اسلامی علیه انقلابیون زندانی اعمال میشود، موج اعتراض و اعتصاب غذای زندانیان سیاسی را برانگیخته است. رژیم جمهوری اسلامی علیرغم دروغها و مباحبه ها یکدستی در زندان نیز ابتدائی ترین موازین بشری را در مورد زندانیان سیاسی زیر پا گذاشته و شیوه های مختلف سیاست سرکوب و فشار علیه زندانیان سیاسی را اعمال می کند. رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر شکنجه جسمی زندانیان سیاسی، شکنجه های روحی نیز متوسل می شود اما این اقدامات رژیم نه تنها کمترین خللی در اراده استوار نیروهای انقلابی پدید نخواهد آورد بلکه آنها را حتی در زندان مبارزه ای بی گسترتر و آشتی ناپذیر تر و ادا رخواهد ساخت. این اقدامات رژیم جمهوری اسلامی تنها از موضع پاسبان در مانندگی و زبونی رژیم است که تنها راه بقاء خود را در سرکوب، شکنجه، اختناق و زندانی کردن نیروهای انقلابی یافته است.

بقیه در صفحه ۲۳

روز اول ماه مه را با شکوه هر چه تمامتر برگزار کنیم!

کارگران و زحمتکشان ایران!

روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی و اتحاد جهانی کارگران فرامسرد، در ایمن روز کارگران سراسر جهان اتحاد دو یکبارگی خود را در مبارزه علیه استثمار و استثمار برای رفاهتی مسلوبانسانان ستمدیده از جنگال فقر و گرسنگی بنمایش میگذارد و متحد و یکجا رجه خشم و نفرت خود را نسبت به نظام سرمایه داری نشان می دهند.

کارگران و زحمتکشان میهن ما امسال در شرایطی با استقبال این روز بزرگ و تاریخی میتابند که زندگی آنها زیر فشار استثمار و استثمار نظام سرمایه داری، جنگ و آوارگی، گران و بیگاری به تنهایی و نا بودی تهدید می شود.

رژیم جمهوری اسلامی که از بساخگویی به ابتدائی ترین نیازهای زحمتکشان عاجز مانده است، می کوشد تا توسل به سرکوب و اختناق و سلب آزادیهای سیاسی توده ها، هرمدای سرخ زحمتکشان را در گلو خفه کند. منظور بزرگداشت این روز تاریخی و نشان دادن خشم و نفرت خود نسبت به نظام سرمایه داری و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی روز اول ماه مه را با شکوه هر چه تمامتر برگزار کنیم و

برای گسترش مبارزه ضد امپریالیستی، اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق و ایجاد شوراهای انقلابی تبدیل کنیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سابقه تاریخی
خیانتهای حزب توده
قسمت اول صفحه ۱۵

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر